این چند وقت که کابینهٔ آقای مستوفی الممالك برقرار شده هنوز در این موضوع اقدامی نکرده اند وچنانچه عرض کردم این مسئله خیلی مهم است وحقیقتهٔ یکی ازمسائلی استکه علاوه ازمسئله سیاسی استفاده‌های مهم اقتصادی هم دارد چه ازحیث حقوقیکه بدولت داده میشود چنانچه امیدواریم احتیاجات مملکتی تااندازهٔ رفع بشود وممکن است بواسطه همین امتیاز نفط یك کارخانه هائی بمملکت وارد شود وبواسطه وجود آن کارخانه ها اشخاصی که دراین مملکت بیکار هستند مشغول شوند ویك استفاده‌هائی هم شده باشد . این استکه خواستم همانطور که آقای حاج شیخ اسدالله سؤال کردند سؤال کنم دولت دراین باب چه نظری دارند وبرای تسریع این امر چه تصمیمی اتخاذ فرموده‌اند که زودتر بموقع عمل گذاشته شده تابرای مملکت استفاده حاصل شود وبتوانیم استفاده‌های بزرگی از این راه کرده باشیم

وزیر امورخارجه - بنده درعین اینکه میدانم نظر آقای رئیس الوزراء وسایر آقایان وزراء این است آقایان هر چه میخواهند مذاکرات در موضوع پروگرام بفرمایند ونظریاتشان معلوم شود وماهم شاید بتوانیم استفاده کنیم باین جهت نمیخواهم به آقایان عرض کنم بعضی مذاکرات لازم نیست .

ولی اینجا ناچارم عرض کنم که این ماده گنجایش این مذاکرات را ندارد زیرا این یك مسئله ایست که قبلا نمیتوانیم در اینجا بگوئیم امتیاز نفطرا بچه شکل خواهیم داد زیرا مطالعات لازم دارد و آقایان قدری مطالعات کرده اند وما هم مطالعات کرده یابعد می کنیم و همه نطور که در اینجا گفته شد اینها یك مسئله ایست که بعد بمجلس خواهد آمد واز نظر آقایان خواهد گذشت آنوقت رأی میدهید وفعلا مذاکره در جزئیاتش دراینجا مورد ندارد پس چیزیکه دراینجا محل بحث است دو چیز است یکی این است که آقایان بفرمایند که فلان چیزی را که دراینجا نوشته اند فرضاً استفاده از منابع ثروتی یا بکار انداختن راه آهن یاچیز دیگر میخواهیم یا نمیخواهیم آن هائی که عقیده دارند که لازم است موافقت خواهند کرد ولی شاید یك کسی هم باشد که عقیده داشته باشد که حالا موقع نیست که راه آهن داشته باشیم

اما اینکه راه آهن راچطور میشود ساخت اینها یك مسائل فنی است . مسائل فنی است مسائل سیاسی نیست که یك یا چند نفر وزراء که یك رجال سیاسی هستند در آن باب مطالعاتی کرده باشند آقایان وکلارا هم یقین دارم غیر از کسی که شاید در موضوع راه آهن یا امور فوائد عامه تخصص داشته باشد تصور نمیکنم هیچکدام بدانند یا قبلا در اینگونه مسائل بتوانند اظهار عقیده کنند

پس این سؤالاتی را که میکنند نتیجه اش چیست ؟

فرض کنید ما یك جوابی گفتیم آقایان آیا میتوانند رد کنند زیرا این یك ترتیبات سیاسی و مملکتی نیست که آقایان قبلا در او مطالعه کرده باشند که اگر یك طریقی را گفتیم رد کنند یاقبول کنند

اصل موضوع استفاده از منابع ثروتی است حالا میتوانند بگویند در این موقع مملکت جادارد یاخیر .

یك چیز دیگر راهم میتوانند بگویند وآن این است که بفرمایند مامعتقدیم به اینکه این ترتیبات طوری باشد مضار سیاسی نداشته باشد چنانچه اینجا مذاکره شد که دراین مملکت امور اقتصادی رنك سیاسی بخود میگیرد وماهم وقتی که میخواهیم اینکارها را بکنیم طوری خواهیم کرد که مضرات سیاسی نداشته باشد

بنده تصور میکنم خودم اگر جای آقایان بر کرسی وکالت نشسته بودم موقع نداشتم که بپرسم امتیاز نفطوراه آهن را چطور خواهید داد یانفطوراه آهن را باهم مرتبط میکنید یاخیر .

منهم خیلی مایلم که نفط وراه آهن مرتبط بهم باشد ولی باختیار ما نیست برای اینکه شاید کسی پیداشد که امتیاز نفطرا به گیرد وراه آهن بکشد

آن وقت این چه تعهدی است که ما بکنیم برای اینکه میدانیم راه آهن ساختن یك کار مشکلی است وباید یك تدابیری بکنیم وشاید یکی از آن تدابیر آن باشد که راه آهن را بانفط مربوط کنیم ولی قبلا نمیتوانیم قول بدهیم شاید نشود

مقصود این بود که توجه بدهم خاطر آقایان را که دراین موقع مذاکره در جزئیات فایده ندارد و همینقدر اطمینان میدهم که درانجام این امورات سعی خواهیم داشت که مضرات سیاسی برای مملکت نداشته و این امورهم اموری است که طرف توجه ما هست وباید مطالعه کنیم بعضی قریب الوصول است وبعضی بعید الوصول

راه آهن را امروز هردولتی شروع به مطالعه کند شاید تاده سال دیگر نتیجه بگیرد آن هم نه اینکه الان شروع شود و تا ده سال خاتمه پیدا کند تاده سال دیگر شاید شروع شده و مقدمات آن تهیه شده باشد بنابراین بنظر بنده گمان نمیکنم دولت بتواند توضیحات بیشتری در اینباب بدهد وگمان میکنم اگر آقایان توضیحات بیشتری بخواهند تقریباً بلاجواب خواهد ماند .

(ازطرف بعضی نمایندگان
احسنت احسنت)

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند ؟

(جمعی گفتند بلی کافی است)

رئیس - پس از ماده ۵ به بعد میماند برای فردا

(مجلس ۲ ساعت ونیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۲۴۰
صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه هفدهم برج حوت ۱۳۰۱ مطابق بیستم شهر رجب ۱۳۴۱

مجلس دوساعت قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم چهارشنبه شانزدهم برج حوت را آقای مستشار السلطنه قرائت نمودند)

رئیس - گویا ایرادی نباشد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - پرگرام هیئت دولت از ماده پنج مطرح است ولی قبل از شروع بمذاکره درپرگرام گویا آقای سردار معظم کردستانی اظهاراتی دارند

سردار معظم - این عرایض بنده ازنقطه نظر موافقت یا مخالفت یا امتناع نسبت بکابینه حاضره نیست فقط از این نقطه نظر است که در یکی دو جلسه حضرتان والا شاهزادگان عظام نصرت الدوله و سلیمان میرزا حسب الاقتضاء راجع بکردستان مذاکراتی فرمودند چون بنده هم افتخار نژادی و هم سمت نمایندگی آن جا را دارم لهذا حق و اولی اینست که در این موقع بعضی عرایض بکنم و ازاخلاق روحیه و وضعیات آنجارا قدری بعرض آقایان محترم برسانم:

اولا سنندج در واقع مرکز کردستان است وبنده خودم هم اهل آنجا هستم و اکرادی که درآنجا ساکن هستند اکثر را اهل سنت وجماعت تشکیل میدهند و بنفاد آیه شریفه اطیعوالله واطیعوالرسول و اولی الامر منکم اطاعت سلطان اولی الامررا ازشعائر مذهبی خود میدانیم بهمین جهت دراغلب مواقع مهم متوجه بدولت و قائل بمرکزیت بوده وهستیم

(بعضی از نمایندگان- صحیح است)

از این مسئله که بگذریم مطلبی که توجه ناطقین محترمرا جلب کرده بود تصور میکنم بواسطه حرکاتی بود که از اسمعیل آقای عاصی دراین سنوات اخیره بروز کرده بود در این خصوص هم لازم میدانم قدری شرح بدهم تارفع هر گونه سوء تفاهمی بشود .

کلیتاً اینگونه طغیان و عناوین درهر مملکتی که باشد بردو قسم است یکی اینستکه یك ملت ادعای رشد میکند و درواقع باصطلاح میگویند رشد سیاسی وموقع طلوع من رسیده است و میخواهم من بعد مقدرات خود را خودم معین کنم .

البته اگر دریك مملکت برای ملتی همچو موقعی اتفاق افتاد یکشاخصی هم پیدا میشود وحکومت آنجارا تشکیل میدهد.

قسم دوم اینست که یك شخصی مثل اسمعیل آقا یانوع اودرمیان یك قبیله پیدا میشود یابواسطه هوای نفس شخصی یابواسطه دستهائی که در خارج برای نابود ساختن این مملکت(مثل اینکه در اغلب مواقع این مصیبت را برای ایران داشته ایم) در کار بوده وهست واورا وادار و تأیید میکند که علم طغیان ویاغیگری را برافرازد وتصور میکند از این اقدام یك نتیجه میبرد ومسئله اسمعیل آقا هم بطور حتم از همین قسم دوم بوده نه قسم اول زیرا اسمعیل آقای بدبخت حالا که خودش هم تصدیق میکند که بچه روز سیاه و بدی مبتلا شده بعقیده بنده مثل یك مجسمه یا قدری روشن تر و واضح تر عرض کنم مثل عروسکی که سررشته لاستیکی آن بدست دیگری باشد وهروقت حرکت بدهد یك حرکت بلااراده میکند قضیه اسمعیل آقاهم همینطور بود بنابر این قضیه طغیان اسمعیل آقا همچو نبود که ازروی افکار و اراده ملت کرد باشد(گفته شد صحیح است) زیرا اشخاصی که دوراسمعیل آقا بودند عده قلیلی ازاکرادی بودند که باو بستگی داشتند و البته تشکیلات او عبارت از تمام اکراد نبود(صحیح است) و اشخاص متفرقه بوده اند که اغلب آقایان دیده اند در این قبیل حوادث و طغیانها کاسه لیسان جمع میشوند و بهمین جهت بود چون برخلاف آمال ملی توده کرد بود و آن دعوتهائی هم که اسمعیل آقا میکرد اهالی کردستان آن را رد کردند البته هیئت دولت حاضره یاهیئت های سابقه هم تصدیق میفرمایند که اهالی کردستان و سنندج در مواقع لازمه با قوای دولتی کمال موافقت را کردند بهمین جهت بود که غائله اسمعیل آقا بواسطه اقدامات قشون دلیر و شجاع ایران بحمدالله بزودی خاتمه یافت و البته آقایان تصدیق خواهند فرمود که درانظار اشخاص وطن پرست و اشخاصی که حب اسلامیت دارند این نیت اسمعیل آقا مقدس نبود یس این حرکت اسمعیل آقارا نمیشود گفت که یك نهضت ملی و نهضت کردی بود(صحیح است)

از این مطلب هم میگذرم وقسمت دیگری که لازمست بعرض میرسانم همانطور که در میان اکراد در این سنوات اخیر همچو کس پیدا شد و ازاوامر دولت تمرد کرد و برخلاف عقاید اکثریت ملت کرد اقداماتی کرد همانطورهم یکعده اشخاص در میان اکراد بوده اند که خدمات آنها همیشه ملحوظ نظر باشد ولازم میدانم خاطر آقایان نمایندگان را متذکر سازم که در جزء سلاطین قدیم کریم خان زند کرد بوده و

الان هم ازطایفه زنده در حدود کردستان هست و اعمال این پادشاه بزرگ در تواریخ ثبت شده و محتاج نیست که شرح بدهم ثانیاً درجزء رجال بزرگی که در قرون اخیره بوده اند البته بعرض آقایان رسیده است که مرحوم عزیزخان سردار یکی از رجال معروف کرد بوده است (و الان هم از اولاد واعقاب آنمرحوم درمیان اکراد وساوجبلاغ ساکن هستند)

این مرد بزرگ از اشخاصی بوده است که سلطان وقت باو خطاب میکرده ومی‌گفته است: عزیز بیا تاعزیزم شوی. البته همچو کسی که در دورهٔ استبداد یك سلطان باو همچو خطابی بکند بی لیاقت نبوده است بلکه یکی از مرداران بزرگ آن وقت بوده. یکی دیگر سرحوم مختار السلطنه بوده که خدمات اوهم معلوم است والان هم خلف آنمرحوم درطهران حاضرند و بنده راجع بفامیل شخصی خودم چون شایسته نمیدانم که عرایضی بکنم حکمیت آنرا وامیگذارم بتاریخ زیرا تاریخ عملیات هرفامیل وهرشخصی را شاهد است ولی دو قسمتش راکه راجع بازمنه قدیمه واخیره است ناگزیرم بعرض برسانم: اشخاص برجستهٔ اکراد نه فقط در کردستان حاضر خدمت بوده اند بلکه درمرکز مملکت هم فداکاری میکرده‌اند من جمله درموقع فتح قلعه هرات مرحوم میرزا رضی که ازبنی اعمام خودبنده بوده است درجزء سرکرده های قشون آنوقت بوده ودر موقع فتح قلعهٔ هرات در راه وطن شهید شده است یکی ازافتخارات فامیلی ما همین است یکی دیگر هم که خیلی نزدیك است آنهم دربدو مشروطیت طغیان شاهزاده سالارالدوله بوده که درآن موقع هم فامیل بنده درصفحه غرب متحمل زحمات کثیری هستند وخود بنده جاناً ومالاحاضر برای فداکاری بوده ام این قسمت را هم تصور میکنم سرداران بختیاری وشاهزاده فرمانفرما که مشاهداتی داشته اند بگویند زیاد است

(صحیح است)

عشایر واکرادی هم که در اطراف کردستان وسرحدات آنجا ساکن هستند درجنك بین‌المللی هم تایك اندازه امتحانات ایرانیت خودشان را دادند اگرچه دربعضی مواقع بعضی ازآنها ازادای مالیات دیوانی قدری استنکاف بنمایند ولی دربعضی مواقع مهم میتوانم عرض کنم که برای دولت یك سرباز مجانی بوده اند.

دردو جلسهٔ قبل هم یکی ازنمایندگان محترم اشاره بایام مهاجرت وموقعی که آنجا تشریف آورده بودند کردند وراجع بقتل وغارتی که از طرف قشون تزاری روس در آنموقع شد فرمودند ولی بنده باز عرض میکنم اگر آنها تلفاتی دادند یك هزار نفر ازاکراد شجاع درمقابل چهارده هزارنفر قشون تزاری روس حمله میکردند وفاتح هم میشدند وبآنها شکست میدادند وشهداء هم در راه وطن داده اند این هم افتخاری است برای اهالی آن صفحات. افتخار دیگری هم که داریم شاید بعضی از آقایان کاملا ندانند وبنده میخواهم درنظرشان روشن کنم.

اینستکه آنکسی که امروز ازمبرزین قوم و از برجسته ترین اشخاص مملکت و ازصلحای رجال درجه اول دولت است یعنی زمامدار حاضره امروزه شخص محترم آقای مستوفی الممالك هم گمان میکنم از یك طرف دارای خون شیرین کرد باشند

(صحیح است)

همانطور که ما بوجود ایشان افتخار داریم گمان میکنم که ایشان هم البته قائل هستند این صفات حسنه که در وجود این حسن است یك قسمتش هم ازماست

(صحیح است)

بعدازاین عرایض که بنده عرض کردم وتوضیحاتی که راجع باخلاق وروحیه کرد دادم گمان میکنم (اگرچه تابحال معلوم بود) ولی حالا بیشتر معلوم شد وبیشتر ثابت شد که علاقه بمملکت و اسلامیت وایرانیت از ودایع الهیه است در قلوب تمام افراد این مملکت خصوصاً ساکنین سنندج و اطراف کردستان.

(صحیح است)

پس اگر حضرت والا شاهزاده نصرت‌الدوله اظهاراتی فرمودند مقصودشان تذکر بدولت بوده است.

(صحیح است)

وآن دستهائی که در خارج همواره برای استفاده از تجزیهٔ قطعات این مملکت کار میکنند انشاءالله هیچوقت موفق نخواهدشد

(صحیح است)

وبنده باصدای رسا عرض میکنم که ملت کرد یعنی اکثریت ملت کرد (چه بسا در میان یك باغ هم اتفاق میافتد که یك دوسه درخت بی‌ثمر وخشك درضمن یکعده اشجار مثمره وبا فایده وگل وریاحین آن باشد) ایرانی بوده وهمواره جزء لاینفك ایران بوده وهستند وخواهند بود.

(صحیح است. احسنت)

وامیدوارم همانطورکه در این موقع دو ناطق محترم عطف توجه بطرف کردستان فرمودند در مواقع مهم هم باینده وسایر نمایندگان محترم کردستان دراصلاحات آنجا مساعدت خواهند کرد.

وزیر معارف - بنده وسایر آقایانی که شرف حضور دارند شاید ازنطق شاهزادگان عظام که آقای سردار ذکر کردند چنین استنباطی نکردیم که مقصود از کرد کردهای ایران باشند واشاره کردند بکردهای خارج ایران.

البته همه شاهدند که واقعا اکراد ایران همیشه نسبت بایران از روی صمیمیت و واقعیت خدمتگزار بوده‌اند وهمیشه خدمات خودرا نسبت بایران نشان داده‌اند بالخصوص اکراد کردستان وحکومت نشین آنجا که سنندج است واقعا دراین مدت متمادی در تاریخ ماهم نشان نمیدهد که از آنها غیراز صداقت ودرستی نسبت بایران چیزدیگری دیده شده باشد (بعضی ازنمایندگان صحیح است) چنانکه همیشه رجال بزرك هم از کردستان داشته ایم وایشان بعضی راذکر کردند وخیلی را نام نبردند. دولت ایران هم نسبت بآنها علاقه های خیلی صمیمی و خیلی نزدیك داشته است خود بنده هم در آن موقعی که در آذربایجان بودم ازروابط اکراد وصمیمیتی که آنها نسبت بدولت ایران داشتند ودرخیلی کارها کمك میکردند برأی‌العین مشاهده کرده اند این استکه دولت ایران در واقع دولتی استکه یك قسمتش هم قطعات کردنشین است وبهیچ‌وجه من‌الوجوه آنهارا ازخود جدانداسته ویقین دارد که آنها از خون پاك حقیقی ایران وجزء این هیئت جامعه هستند. انشاءالله همانطور که سردار اظهار کردند آنها هم ایرانی بوده وخواهند بود ودولت ایرانهم علاقمندی خودرا نسبت بآنها بهیچوجه ترك نخواهندنمود.

(گفته شد صحیح است)

رئیس- آقای آقاسیدیعقوب

(اجازه)

(گفته شد نیستند)

رئیس- آقای دانش

(اجازه)

میرزا محمد خان دانش - بنده اجازه نخواسته بودم.

رئیس- آقای محمد ولیمیرزا

(اجازه)

محمد ولی‌میرزا - ما برعایت تذکری که رئیس محترم مجلس در جلسه قبل فرمودند که آقایان ناطقین زیاد ازموضوع بحث خارج نشوند بنده ناچارم قبلا چند کلمه بطورمقدمه عرض کنم ....

رئیس- بنده تذکر دادم ولی مفید واقع نشد حالا ناطق محترم هم میخواهند از موضوع خارج بشوند بنده حرفی ندارم....

محمد ولی میرزا - جمله مختصری است که می‌خواهم بطور مقدمه عرض نمایم...

رئیس- هرقدر بخواهید بسط کلام بدهید بنده مخالفت نخواهم کرد

محمد ولی‌میرزا- عرض کردم یك مقدمهٔ میخواستم عرض کنم میفرمائید عرض کنم بنده مثل جمعی از رفقای خودم نسبت بتشکیل حکومت حاضره متوقف و مردد وبحالت امتناع بودم و انتظار اشاعهٔ پرگرام دولت راداشتم ویکی ازانتظارات من این بود که در یکی از مواد پرگرام نسبت بآذربایجان واصلاحات نقاط خراب این ایالات تقریباً تعهداتی بکنند و تصور میکنم در این اظهار بنده همکاران محترم آذربایجان بنده هم شرکت داشته باشند البته حوادثی که در آنجا روی داده است فوق‌العاده طاقت‌فرسا بوده وبنده در این انتظار محقق بودم که ببینم دولت جدید نسبت باصلاحات آن حدود چه درنظردارند ومنتظر بودم که بطورفوق‌العاده دریکی از موادپرگرام این مطلب رامتذکر میشدند وچون این مسئله قدری خارج ازموضوع است دراین خصوص طول کلام نخواهم داد ومیپردازم بماده پنج پرگرام و اشکالاتی که از مطالعه ماده ۵ برای بنده حاصل شده است اولا درمقدمه پرگرام هیئت دولت جدید یك جمله هست راجع بتوحید مالیات های متعدده مملکتی و بلدی

بنده نمیدانم بچه علت این جمله در مقدمهٔ پرگرام ذکر شده وبهتر میدانستم که این جمله درماده پنج که یك ماده مستقلی است (راجع بمالیاتها ونظریات دولت در خصوص وضعیات مالیه‌ها نوشته میشد در هرحال چون بنده نمیتوانم این جمله را از ماده پنج تجزیه نمایم

این جمله را ضمیمهٔ ماده پنج میکنم و مشکلاتی که ازاین جمله بنظربنده رسیده است عرض میکنم تاشاید آقای وزیرمالیه توضیحی بدهند ورفع اشکال بنده بشود

بنده نمیدانم مقصود ازتوحید مالیات متعدده مملکتی وبلدی چیست متحدالشکل ساختن یك رشته مالیات های متعدده از قبیل مالیات های مستقیم اراضی و غیره چگونه ممکن است؟

درخصوص مالیات مستقیم ارضی البته مقدرمیشود که متحدالشکل کرد وباید هم بشود ولایحهٔ ممیزی که راجع بهمین مالیات است الان در مجلس تحت شور است و امیدواری میرود که انشاءالله بزودی تصویب شود ولی نمیدانم سایر مالیاتهای غیرمستقیم را ازقبیل عوارض گمرکی وبلدی وغیره چگونه توحیدمینمایند

ابداً همچوچیزی نمیشود وتصور می کنم تفسیر این کلمه از نقطه نظر علمی خیلی مشکل باشد ویك چیز غیرعملی است مگراینکه نسبت باین کلمه آقای وزیرمالیه توضیحی بدهند شاید نظر دیگری ازاین کلمه داشته باشند یکی دیگراینکه درماده پنج مینویسد تقویت عملیات متخصصین مالیه در اجرای صرفه‌جوئی‌های ممکنه درمخارج دولت وتدارك بودجه واصلاح ادارات مالیه وتمرکز جمع وخرج وتهیه وسیله پرداخت حقوق پس افتاده مستخدمین الی آخر

البته محتاج بتذکار نیست (یعنی عقیده بنده اینست) چون اختلافی درموضوع کلمه پرگرام تولید شده است.

بعقیده بنده پرگرام عبارتست ازذکر رؤس مسائل نسبت بسیاست خارجه وخطوط برجسته راجع باصلاحات داخلی که دولت

درنظر دارد لهذا این جمله که در اینجا نوشته شده (تقویت از متخصصین) بعقیده بنده جمله زایدیست البته باید تقویت بشود قانونی که از مجلس گذشته وتکالیفی که راجع بمتخصصین مالیه معین شده خود متخصصین کاملا واقف و آگاه و به حدود اختیارات خود هستند و البته آنها چون تعهداتی کرده اند که در دو ایر مالیه ما اصلاحاتی بکنند البته بآنها عمل خواهند کرد دولت هم باید قوانین را اجراء نماید و این جمله که در یکماده از پروگرام نوشته شده است هیچ مورد ندارد وازوظایف دولت است که قوانین مصوبه مجلس را اجراء نموده وهیچ اختصاصی هم نخواهد داشت چه راجع بتقویت متخصصین باشد چه سایر قوانین والبته باید هم مجلس وهم دولت ازمتخصصین تقویت نمایند یعنی ازآنهائی که مجلس کنترات کرده است واین مسئله اختصاص ندارد البته دولت باید تقویت نماید تمام متخصصین رامیخواهد دکتر منار رئیس انستیتو پاستور باشد یامتخصصین مالیه.

دولت ازدکتر منار تقویت نمیکند؟ چرا البته تقویت خواهد کرد.

اینست که بنده این جمله رامی‌دانم و اگر بناباشد این قبیل مطالب جزئی رادر پروگرام ذکر نمایند پس خوب است که تمام دستور یومیه هیأت دولت ووزارتخانها بلکه ادارات راهم درجزء پرگرام بنویسند آن وقت موادپرگرام بصدماده میرسد و شش هفتماده گنجایش آن رانخواهد داشت و بنده هیچ لازم نمی دانم این مطالب را در پرگرام نوشته شود.

یك قسمت دیگر راجع بپرداخت حقوق مستخدمین دولت است همانطور که عرض کردم پرگرام عبارت است از رؤس مسائل سیاسی وراجع باین قسمت که پرداخت حقوق معوقه مستخدمین ذمه ودین دولت است وباید بدهد نمی‌دانم بچه علت اینمسئله راهم جزوموادپرگرام قرار داده‌اند شاید علت این بوده که ازمجلس اجازه بگیرند.

آیا حقوق ۸ ماهه آژانی که شب تا بصبح خدمت کرده بپردازیم یانه؟

درصورتیکه ذمه دار است وباید بپردازد وتصور میکنم ذکر کردن این جمله در پرگرام اسباب نگرانی مستخدمین بیچاره است زیرا مستخدمی که ۷ و ۸ ماه خدمت کرده وطلبکار است نمی‌شود گفت صبر کنید تاپرگرام دولت بگذرد وتکلیف شما معلوم شود تا ببینیم چه میشود.

همچوچیزی منطقی نیست وبنده مخصوصاً توجه رئیس محترم دولترا جلب میکنم که هرچه زودتر وسائل تهیه و پرداخت حقوق مستخدمین رافراهم نمایند زیرا این حقوق حقواجرت آنهاست وبایدهر چه زودتر پرداخته شود وبیشتر از این در بوته اجمال نماند.

شیخ‌الاسلام اصفهانی- بهمین جهت است که نوشته‌اند.

محمدولی‌میرزا- بنده عرض کردم ضروری نیست که در پرگرام بنویسند واگر فرمایشی دارید بعد بفرمائید راجع بمسئله حقوق که برذمه دولت است بنده این جمله را خیلی مهم میدانم وتذکر میدهم که حتی الامکان باید احتراز وپرهیز کرد که این جملات درپرگرام نوشته نشود.

این ذمه راجع بکی است؟

اگرراجع بیك فرضه خارجی باشد که آنها معین ومسلم است که ازیك محل معین و دریکموقع معین طلب خودرامیگیرند وما غیراز این قروضی که داریم و معین است قروض دیگری نداریم ودولت راذمه دارنمی دانیم و گمان هم نمیکنم بدهی داشته باشد اگرهم راجع باشخاص داخلی است که طریق آنراهم چند روزقبل یکی از آقایان فرمودند که هر کس نسبت بدولت ادعائی داشته باشد بمجرد اظهار دعوی او وارد نیست والبته باید اسنادمثبته بهیأت وزراء آرائه بدهدواز آنجا هم درتحت یك لایحه قانونی بمجلس شورایملی ارسال دارند و در کمسیون بودجه رسیدگی شوددر صورتی که موردی پیدا کرد که اسنادی در دست داشت البته باید دولت بپردازد باین جهت لازم نمی‌دانستم چنین جمله درپرگرام دولت ذکر بشود یك قسمت دیگر راجع بتسویه و تنظیم امور بانك ایران است که دربرگرام دولت نوشته شده البته متخصصی را که بموجب رای مجلس شورای ملی برای امور بانك اجیر کرده‌اند مشغول کار خواهدشد ولی بنده خیلی لازم می‌دانستم که آقای وزیر مالیه توضیحی بدهند که بچه وسیله وبچه صورت این بانك تنظیم خواهدشد وبرای سرمایه این بانك هم چه فکری کرده‌اند وبچه شکلی مرتب خواهند نمود خوبست آقای وزیرمالیه این توضیحات راببنده بدهند این بود اشکالات بنده راجع بماده پنجم

رئیس آقای تدین

(اجازه)

آقاسیدمحمدتدین- اولا ناطق محترم اظهار علاقه‌مندی نسبت بآذربایجان کردند واظهار نمودند که درپرگرام دولت چرا اشاره باین مسئله نشده تصور می کنم نظر همه نمایندگان ونظر دولت حاضره وهردولتی که برطبق قانون تشکیل شود نسبت بتمام نقاط مملکت ایران بالعدلی السویه باشد نهایت آذربایجان بواسطه حوادثی که در این چند ساله دربعضی نقاطش اتفاق افتاده بیشتر باید طرف توجه دولت باشد واین حوادث اگردرسایر نقاط مملکت هم اتفاق افتاده باشد بایدطرف توجه دولت باشد

(صحیح است)

وآن حوادث را رفع وجبران نماید بعلاوه درمقدمه پرگرام یکجمله دارد که حضرت والا بآن مراجعه نکرده‌اند نوشته شده است اهاشه واعمار نقاط مغرب وبه مملکت.

تصور میکنم این جمله توجه و نظر خاص هیئت محترم دولترا نسبت بآذربایجان وبعضی نقاط دیگر که خراب شده است کاملا جلب میکند.

(گفته شد صحیح است)

بنابراین محتاج بذکر نبود و البته امیدوار هستیم که هیئت دولت آن قسمتهائی را که مطرح مذاکره درمجلس بود راجع بکمك ودستگیری ازاهالی ارومیه واطراف کاملا درنظر بگیرند ویك کمك‌های عملی بآنجا بکنند قسمت دوم راجع بتوحید مالیاتهای مملکتی بود که در مقدمه پرگرام ذکر شده است حضرت والا معنی لغت پرگرام راذکر کردند وچند جمله درتفسیر این کلمه بیان نمودند ولی از یك کلمه غفلت کردند وآن اینستکه پرگرام دولت عبارت از این مواد یست که در تحت مقدمه ذکر شده است همانطور که یك لایحه قانونی که دولت میخواهد تقدیم مجلس نماید مطابق نظامنامه داخلی باید دریك مقدمه دلائلی که آن مواد را ایجاب میکند ذکر کند این جمله توحید مالیاتی مملکتی وغیره وغیره هم (ازاول مقدمه تا آخرمقدمه) دلایل موجه است برای موادهفتگانه عملی که پرگرام نام دارد از این نکته ایشان غفلت کردند وبعد آمدند وگفتند که چطور مالیاتهای مملکتی توحید میشود وابداً ممکن نخواهد شد ویك قسمت راجع باطلاعات مالیه که داشتند بیان فرمودند بنده تخصصی درامر مالیه ندارم ولی ازنقطه نظرفهم مسئله اینطور استنباط میکنم که تبعیض درقوانین غلط است وحتی الامکان قوانین که وضع میشود باید بطورمساوی ومتساوی نسبت بمملکت اجرا شود البته تصدیق میفرمایند وضع این مالیاتهائی که از قدیم تاکنون بوده است خیلی درهم وبرهم وبی ثبات بوده وابداً توحیدی نداشته است مثلا سوق‌الدواب یك جا ازاسب دوقران میگیرند یکجا پنج قران در جای دیگر یکتومان و ابداً معلوم نیست ازروی چه مأخذ میگیرند یا مالیات باج راه ابداً در تحت تنظیم نیست ودر هرنقطه بیك شکل خاص ومطابق دلخواه مأمورین دریافت می دارند حتی وقتی آقای رفعت الدوله اظهار کردند که در اطراف کرمانشاه ازاتومبیل حق‌المرتع میگیرند (رفعت‌الدوله - الان هم میگیرند)

تدین - عقل هم باین مسئله حاکم است وقتی بنا باشد که مالیاتی باید درهمه جا بطورتساوی باشد وغیر از این باشد عادلانه نیست از این جهت بود که قانون ممیزی که الان درمجلس تحت شور ومداقه گذارده شده برای اینستکه در همه جای مملکت مالیات ارضی را یکسان بگیرند واین اختلافاتی که تاکنون در این مملکت حکمفرما بوده است ازبین برداشته شود والا هیچ داعی نداشتیم وراجع بسایرمالیاتها هم البته وقتی مامتخصص مالیه آوردیم که امروز مالیه مارا اصلاح نماید اگر راجع باین مالیاتها نظریاتی دارد بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد ودر آنوقت اگر حضرت والا نظریاتی دارند بیان خواهند فرمود دیگران هم نظریات خود را می‌گویند وبالاخره آنچه صلاح مملکت باشد ومجلس تصویب کند بموقع اجرا گذاشته خواهد شد ولی این منطق ندارد که حالا شما میفرمائید بچه شکل باید باشد و این شکل صحیح است یاصحیح نیست

بعد وارد در ماده پنج شدند واظهار کردند که تقویت عملیات متخصصین مالیه محتاج بذکر نبود بنده اولا اظهار می کنم ازذکر کردنش چه ضرر وارد خواهدشد وثانیا بعقیده بنده این مطلب لازم بود برای اینکه جامعه مردم این محیط که ممکن است هزار گونه سوء تفاهم تولید نمایند بدانند که این هیئت جدید که تشکیل شده است رسماً اعلام می کند که من ازمتخصصین مالیه مملکت خودم تقویت می کنم (صحیح است) وبعلاوه این مطلب برای تشویق و دلگرمی متخصصین مالیه هم هست وبرای اینست که مغرضین سوء ظن‌هائی درمابین تولید ننمایند ثانیاً فرمودند که جمله پرداخت حقوق پس افتاده مستخدمین که درپرگرام ذکر شده است باعث نگرانی آنها میشود بنده تصور می کنم علاوه براینکه باعث نگرانی آنها نیست بلکه این مسئله برای آنها تولید دلگرمی خواهد کرد. (گفته شد صحیح است...)

(محمدولیمیرزا- ابداً)

تدین - خوب حالا شما میفرمائید ابداً بنده نمیگویم بلی زیرا این یك نزاع بین‌الاثنین میشود وفائده ندارد. آن مستخدمین میفهمند که دولت و مجلس علاقه دارد که هرچه زودتر حقوق عقب افتاده آنها باسرع وسایل برسد حالا از این قسمتهم میگذریم و عرض میکنم شما که میفرمائید فایده ندارد ضررش راتوضیح بدهید واماجمله اخیری که فرمودند راجع بحقوق که برذمه دولت است (خیلی مهم و مبهم است و آیا ازنقطه نظر قروض داخلی است یا خارجی و آیا شامل همه دعاوی میشود یا نمیشود) بنده تصور میکنم هیچکدام ازاین شقوقی که ایشان فرمودند وارد نیست زیرا اگر در این جمله دقت فرمایند کاملا جواب ایشان داده خواهد شد. نوشته حقوقی که بر ذمه دولت است یعنی در محکمه صالحه ثابت شده باشد که دولت ذمه دار آن حقوق است.

حالا شما میفرمائید آن حقوقی که بر ذمه دولت است وثابت شده نباید داد؟

ممکن نیست بتوانید چنین حرفی بزنید بنا بر این اصلی که عرض کردم هیچ فرقی نمیکند آن حقوقی که ثابت شده باشد بر ذمه دولت باشد و دولت ذمه‌دار تأدیه آن باشد باید تأدیه نماید طلبکار هر کس

میخواهد باشد نهایت اینست که بصرف هر ادعائی نباید دادو الاخیلی اشخاص ممکن است ادعائی بکنند و آنهائی که در محاکم صالحه ثابت شده برطبق قوانین جاریه پرداخته خواهد شدو جای هیچ تردیدی هم نیست و جمله اخیری که ایشان فرمودند راجع بمسئله تسویه وتنظیم امور بانك ایران بود و گفتند متخصص برای اینکار استخدام شده البته وجود متخصص برای همین اشکالی بود که ایشان کردند که امور بانك را تنظیم نموده ببینند بچه شکل این بانك را باید اداره کرد و سرمایه اش آیا باید مال دولت باشد یا مال ملت یا مشترك باشد برای همین کارها بالاختصاص متخصص استخدام کرده ایم بعد اظهار فرمودند که بچه شکل این بانك تنظیم واداره خواهد شد.

این فرمایش ایشان باهم متناقض است زیرا بعد از آنکه نظریات او معلوم شد البته بموقع اجراء گذاشته خواهد شد و اگر میخواستیم خودمان این قبیل قضایا را حل کنیم بمتخصص محتاج نبودیم بنابر این این قبیل مسائل نباید اینجا بحث شود و راجع میشود بنظر متخصصی که در همین مجلس استخدام اورا تصویب کردیم- صحیح است احسنت.

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است

رئیس- آقای محمدولی میرزا فرمایشی داشتند؟

محمدولیمیرزا- بلی مختصر توضیحی دارم

رئیس- بفرمائید

محمد ولیمیرزا - اینکه آقای نمین به بینده اعتراض فرمودند مثل این بود که بنده مقدمه پرو گرام را هیچ مطالعه نکرده بودم و کلمه اعمارو اعاشه را ندیده بودم بنده بواسطه تذکر مقام ریاست نخواستم ازموضوع خارج شوم والا بنده خیلی مطالبی داشتم که ممکن بود درذیل همین کلمه اعمار و اعاشه عرض کنم. اعاشه کی؟ اعمار کجا؟ دولت کی چنین قدرتی درخودمی بیند که از شمال بجنوب و ازشرق تاغرب مملکت هرجا که دهی خراب شده باشد برود اعمارو فقرای آنجا را اعاشه نماید؟ بنده مخصوصاً بواسطه این دو کلمه نگران شدم و این کلمه خیلی شبیه باقدامات مجدانه است این بود که بنده ایراد خود را با اینکه خارج از موضوع بحث بودخواستم برئیس محترم دولت تذکر بدهم که انتظار دارم هرچه زودتر راجع بآذربایجان بهیچیك از وکلای ایالات وولایات هم برنمی خوردزیرا نقطه مخروبه امروز عبارت از آذربایجان است.. (یکی از نمایندگان خیر اینطور نیست) و اغلب نقاط آذربایجان خراب و ویران است و باید در اعمار و اعاشه آنجا اقدامی ازطرف هیئت محترم دولت بشود.

رئیس- آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس- معلوم میشود کافی است

(ماده ششم بشرح آتی قرائت شد)

ماده ٦- توسعه و نشر معارف وفرستادن شاگرد بخارجه برای تحصیل معلومات عالیه و فنیه و تنظیم و تکمیل تعلیمات عمومی و عالیه مملکتی و اهتمام در امر حفظ الصحه عمومی

رئیس- آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - البته آقایان تعجب میفرمایند که چرا در این ماده که راجع بتوسعه و نشر معارف است بنده صحبت می‌کنم ولی بنده در این قسمت و این فراز بخصوص عرضی ندارم..

ارباب کیخسرو- فارسی بفرمائید

حاج شیخ اسدالله- واگر درضمن بعضی از مواد عرایضی میکنم آقایان به بنده ایراد نفرمایند بنده توضیحاتی میخواهم زیرا پس از آنکه توضیحی درجواب عرایض بنده داده شد ممکنست موافقت نمایم و یا برعکس مخالف شوم

شاید بعضی آقایان دیگر بفرمایند ممکن است در ضمن لوایحی که راجع باین فرازها بمجلس پیشنهاد میشود اگر درآن موقع دیدند باعقیده شما موافق است موافقت نمائید واگر مخالف بود رد نمائید آن درمرحله ثانی است ومرحله اول که الان است موافقت یا مخالفت با این ماده است.

این ماده چندفراز دارد. فراز اولش یك امر کلی است که خیلی خوب است و عبارتیست که بروفق آرزوی تمام نمایندگان بلکه آرزوی تمام افراد ملت است نه در ایران بلکه درتمام دنیا وآن «توسعه و نشر معارف است» بسیار چیزخوبی است وعبارت خیلی مشعشع وقشنك است ازاین قسمت که خارج شویم فراز های دیگری دارد که باید آقای وزیرمعارف توضیحاتی به بنده بدهند،

یك فرازش مینویسد فرستادن شاگرد بخارجه برای تحصیل معلومات عالیه وفنیه فراز دیگر: تنظیم وتکمیل تعلیمات عمومی وعالیه مملکتی.

فراز بعد: اهتمام در امر حفظ الصحهٔ عمومی. (قبل ازاینکه سایر عرایضم را عرض کنم یکی ازآقایان بینده نوشته اند وایراد کرده اند فراز لغت فرانسه است و فارسی آن جمله است. (صحیح است) خیلی خوب.

بنده هم تعبیر بقسمت میکنم برای اینکه بانظر پیشنهاد کننده موافقت کرده باشم بلی قسمتهای مختلفه اینجادارد.

البته آقایان تصدیق میفرمایند که تابحال دراعزام شاگرد بخارجه آنطور که مطابق آرزو وآمال دولت و ملت ایران بوده است بفردا کمل نتیجه گرفته نشده است

درزمان مرحوم ناصرالدین شاه یك عده شاگرد بخارجه فرستاده شده با یك ترتیب واصول مرتبی وآن شاگردان هم با دستورمخصوص رفتند وتحصیلاتی هم کرده برگشتند و آنچه که بنده میشنوم (چون اطلاعات کاملی ازتحصیلات شاگردانی که باروپا رفته وبرگشته اند ندارم ولی اشخاصی که متخصص این فن هستند اینطور اظهار میفرمایند) آن عده شاگردی که درابتدای امر باروپا رفته اند وبرگشته اند مطابق دستوری که داشتند تحصیلات مرتبی کردند وآمدند و بدرد این مملکت هم خوردند وپس ازآن زمان مرحوم مظفرالدین شاه الی حال جمعی باشکال مختلف برای تحصیل باروپا فرستاده شدند ولی درمقام عمل میبینیم آن استفادهٔ که باید ازوجود این شاگردان بکنیم نکرده ایم چون بی ترتیب رفته اند وآنطور که باید (نمیگویم تحصیل نکرده اند. تحصیل کرده اند ولی نه ازروی جدیت وفعالیت وباید تصدیق کرد تمام آن اشخاصی که رفته اند مرتباً تحصیل نکرده اند) وآن قسمتی که موافق آمال وآرزوی ما بود تحصیلات خودرا باتمام نرساندند حالا دولت دراینجا چه نظردارد؟ دولت در نظر دارد پیشنهادی تقدیم مجلس کند برای مخارج مسافرت واعزام عدهٔ باروپا.

اگر بنا باشد که بهمین طرز بروند درخارجه پنج سال شش سال ده سال درخارجه باشند واعاشه کنند و مراجعت نمایند وقتی هم که آمدند به بینیم نتیجه عملی ازآنها حاصل نمیشود

هرگاه باین طریق دولت بخواهد شاگرد باروپا بفرستد آنوقت بنده عرض میکنم مخالفم و اگر باترتیبی مرتب و با طرزی صحیح دولت در نظر گرفته است که یکعدهٔ اشخاص لایق که تحصیلات خود رادرایران کامل کرده وحالا دیگر باید برود باروپا وتحصیلات عالیتری بکند وآنها تحت نظر نمایندهٔ که معین میکند باروپا بفرستند بنده و سایر آقایان موافقت خواهیم کرد که البته باید یکعده اشخاص تحصیلکرده تحصیلات خود را عالیتر نموده رفع حوائج مملکت از اینراه بشود و اینجا محتاج بتوضیح و بیان استکه خود آقایان وزراء باید بدانند برای خاطر اینکه بنده هم بااین ماده موافق شوم از آنطرف بنده وارد می شوم در یك قسمت دیگر راجع بتحصیلات مذهبی:

بنده خیلی متأسفم از اینکه هر دولتی (نه بخصوص این دولت) که پرو گرام میآورد بمجلس یا مذاکراتی که درا طراف نشر معارف می شود محدوداست بتحصیلات مقدماتی مطابق پرگرام جدید در مدارس ابتدائی و قدری که ترقی میکند باید برود باروپا.

اما باید تصدیق کرد که یك اندازه علوم دینی و مذهبی هم از قبیل معاملات و تجارت و قضاوت که خیلی حاجت عموم است باید تحصیل کرد اگر بدیده انصاف و بیطرفی نظر کنیم وازروی حقیقت قدری فکر نمائیم می بینیم چون تشویق برای این رشته تحصیلات کم شده است زیرا مشوق باید دولت باشد و افرادهم آن قسمیکه باید تشویق شود از عهده برنمیآیند دولت هم اگر نکند) طولی نمیکشد که کم کم این طبقه منقرض می شوند و پس از آن می‌بینیم اشخاصی قلیل قائم مقام و جانشین آنها نیستند.

در مملکتی که یك مذهب رسمی داردو بعلاوه تحصیلات مذهبی هم محل احتیاج عامه و افراد مملکت است نباید بکلی نسیامنسیاً باشد در پرگرام دولت نوشته میشود یکعده شاگرد باروپا فرستاده شود خوب بود اشاره هم برای ترویج یا تشویق علوم دینیه بهرلفظی که میل و اراده هیئت دولت تعلق میگرفت تشویق هم نسبت بآن رشته از تحصیلات مذهبی میشد اگر چه این مسئله راجع بماده ۷ استکه در خصوص قضاوت وعدلیه است.

بنده اجازه خواسته ام تا نظریات خودرا عرض کنم.

ولی باز اشاره باین مطلب میکنم که اگر تشویق و ترغیب نشود هرچه دولت بخواهد سعی و کوشش کند مدرسه حقوق تشکیل دهد بالاخره قوه قضائیه ناقص می‌ماند و امکان ندارد قوهٔ قضائیه این مملکت درست و تکمیل شود مگر اینکه این رشته هم تکمیل شود واشخاص تحصیلکرده و آزموزده درعلوم مذهبی باشند حالا بعضی آقایان بمن ایراد نکنند که عنوان قضاوت شرعی مربوط بعدلیه نیست.

اما عقیده بنده اینستکه لازم است هرکس در آن مقام می نشیند دارای معلومات شرعیه باشد حالا مربوط باین مذه نیست درماده بعد عرض میکنم.

اما چون لازم میدانم ازدولت حاضر خواهش میکنم که عطف توجهی دراین باب بفرمایند حتی درپرگرام هم لازم بود که تذکر داده شده باشد حالا که نوشته است. خواهشمندم دولت عطف توجهی در این باب بفرمایند و تا اندازهٔ که می‌توانند این طبقه و این رشته از علم را تشویق کنند.

این سه جمله. اما:

اهتمام در امر حفظ الصحه البته چیز نافعی است و خیلی خوبست.

العلم علمان:

علم الابدان و علم الادیان.

حفظ نفس و حفظ الصحه برهر چیز مقدم است حتی تحصیل علمش هم برسایر

علوم مقدم است زیرا هرعبارت و تکلیفی راخداوند فرع قوهٔ و قدرت و صحت بدن و مزاج قرار داده است درموقع مرض خداوند تکلیفی بربنده نمیکند حتی نماز را در موقعیکه مرض فوق العاده سخت استکه قادر بحرکت نیست می تواند نشسته بخواند همچنین روزه را درموقعیکه ضرر مزاجی داشته باشد می فرماید نگیرید راجع باین حفظ الصحه بنده نمیخواهم زیاد بسط کلام داده باشم ولی راجع باین جمله دولترا متذکر میکنم که بایه توجهی بفرمایند نسبت ببلوکاتیکه هیچ طبیب ندارد. حفظ الصحه درتهران باندازهٔ خودش است و دکتر وطبیب ودواهم دارد بلکه زیاده ازحق خودش هم دارد ولی اغلب اشخاصیکه درتهران دارای معلومات طبی هستند وادعای طبابت میکنند ادارات دولتی را اشغال کرده اند چنانکه دراغلب ادارات هستند پس بهتر اینستکه دولت یکرشته خدمتی که فن وشغل اونیست باونهدند بلکه اورا باهمان حقوقیکه دراداره میگیرد بورامین یاجاهای دیگر که محتاج بطبیب هستند بفرستند که اینقدر مالاریا مردم را اذیت وتلف نکند وهمچنین بولایات دیگری که شکایت میکنند مثل بلوکات تهران وولایات دور دست دیگری که دوا هم برای استعمال مریض درآنجا یافت نمی شود بفرستند چون درآنجاها طبیب که نیست هیچ. دواهم ازبرای استعمال مریض ابداً وجود ندارد ومثلا اگر مریض خودش حس کرده باشد که تب دارد وبرای باید گنه گنه بخورد ومتأسفانه گنه گنه هم درآنجا نیست اینستکه دولت باید درنظر داشته باشد که برای امیدواری مردم وافراد مملکت دراینجا توضیح بدهند که راجع بتوسعه حفظ الصحه مملکت چه اقداماتی میکند ولازم استکه توجهی هم بخارج ازتهران ومردمان بی بضاعت آنجاها بفرمایند که وسایل حفظ الصحه برای آن بیچاره‌ها امراض خودرا بکنیم ولی آن بیچاره مردم که دستشان بطبیب ودوا نمی رسد خوبست دولت درباره آنها فرموده وسایل آسایش آنها رافراهم آورند.

وزیرمعارف - بنده ازآقای حاج شیخ اسدالله تشکر میکنم برای اینکه بیاناتشان همه بطور ارشاد و تذکرات (یکنفر از نمایندگان - صحیح است) وبرای اطلاع خاطرایشان توضیحاتیکه خواستند عرض می کنم:

اولا درباب توسعه معارف. دراین دو جلسه اگرچه مذاکرات در کلیات وغیره بعمل آمده وآنچه لازم بود بعرض رسیده است. اما اینکه فرمودند (توسعه ونشر معارف در اینجا عبارت مشعشع ودرخشانی است اینطور نیست، بنده روزاول هم عرض کردم که غرض هیئت دولت عبارت مشعشع ودرخشان نویس نبوده غرض این بود که واقعاً چیزی عملی وقابل آن باشد که بعرض مجلس میرساند البته توسعه ونشر معارف را اگر بخواهیم عرض کنم که حد دارد ومامیتوانیم حد کمال آنرا بزودی تدارك وتحصیل کنیم اغراق عرض کرده ام لیکن این مسئله تدریس و تکاملی است اینکه عرض میکنم دولت حاضر درپیشنهاد خودذکر کرده اند بقدر وسع و طاقت دراین باب اقدام کنند وهرقدرممکن است معارفرا توسعه ونشر بدهند البته این خدمتی است بمعارف ومسلم استکه هیچ دولتی وهمچنین مجلس دراین باب دقت ونظر نداشته باشد وبتوسعه ونشر معارف قائل نباشند کما اینکه بودجهٔ که ماامسال تدارك کردیم بابودجهٔ پارسال خیلی تفاوت دارد چنانکه خودمالیه ورئیس مالیه این مسئله را تصدیق میکند که بایستی نسبت بمعارف ونسبت بصحیه تفاوتهائی منظور بدارند بدبختانه بواسطهٔ حال حاضری که ما از اقتصاد مملکت داریم آنطور که باید نمی توانیم بمقصود خود برسیم ولی برای سال آینده امیدواریم درباب نشر معارف بیشتر توسعه بدهیم وقتی که بودجه سال تنکوزئیل را بمجلس شورای ملی آوردند ملاحظه خواهند فرمود که در اینجا راجع بمدارس مرکزی وولایات نوشته شده است بعد از اینکه بتصویب مجلس شورایملی رسید راجع بتقسیم آن مطابق قانون وزارت معارف مبادرت خواهد شد آقا درباب شاگردانی که بخارجه میروند فرمودند اگر در این ماده دقت بفرمایند خود این ماده موضوع مطلب را باطلاع آقایان میرساند زیرا در آنجا ذکر شده است فرستادن شاگرد بخارجه برای تحصیلات عالیه وفنیه بخارجه فرستاده شود باید تحصیلات ابتدائی ومتوسطه رادر مملکت خودش تمام کرده و یك مقدار معلومات مقدماتی علوم عالیه را هم در اینجا تحصیل کرده باشد ومطابق امتحان ومسابقه برای تحصیل فرستاده میشود واین مطلب درنظر دولت هست که بعد از تصویب مجلس شورای ملی شاگردانی را که نسبتاً امتحانشان بهتر وزحماتشان قابل تمجید باشد انتخاب کرده درتحت مراقبت یك سرپرست مخصوص بفرنگستان بفرستند زیرا مادراین دوره زندگانی ناگزیریم اشخاص خودمان راچنان که مکرر عرض کردم برای تحصیل علوم حاضر کنیم وفردا که انشاءالله مادراینجا مدارس فنی وعالیه داشتیم از اینکه معلم از خارجه بایران بیاوریم بی نیاز باشیم پس برای نیل باین مقصود دولت در نظردارد پیشنهاد آنرا بمجلس تقدیم نموده برای ترتیب مدرسه فنی اقداماتی که لازم است بعمل بیاید و هم برای تحصیل علوم عالیه وفنیه شاگرد بفرنگ بفرستند واینکه فرمودند شاگردانی که بفرنگ رفته اند مفید فایده نبوده اند لازم است توضیحاً عرض کنم تاآن درجه که فرمودند نیست آنهائی که بفرنگستان رفته اند ما آنچه که می‌بینیم چه از اطباء و چه غیر آنها که از فرنگستان آمده اند خیلی ازآنهاهم واقعاً بکار دولت وادارات دولتی میخورند اشخاص تحصیل کرده و زحمت کشیده وقابل تمجید هستند درو زارت قوائد عامه وسایر وزارتخانه ها اشخاصی که از خارج برگشته اند بیشتر ازآنها قابی استفاده ولایق نخستین هستند واگر بعضی هارفته اند وبخیال تحصیل رفته اند یایك ترتیبات دیگری خدای نخواسته در فرنك اتخاذ کرده اند آنهارا در زمره شاگردان نمیتوان حساب کرد حقیقتة بعضی از اشخاص که رفته اند وزحمات کشیده وبرگشته اند قابل تمجید هستند اگر بعضی از اطباء دربعضی ادارات هستند اختصاص بایران ندارد درسایر جا ها اشخاصی که تحصیل کرده اقد ازوجود آنها استفاده میشود هم در اداره بطور دولتی وهم درمیان مردم بطور ملی میتوان آنها استفاده کرد این کاری نیست که بتوان برای آنها محل ایراد قرارداد. در باب شاگرد های علوم دینیه که فرمودند بنده کاملا بااین عقیده همراهم وشاید همه آقایان هم بااین عقیده همراه باشند وبهمین واسطه مجلس این مسئله را کاملا درتحت دقت ونظر گرفت ودر قانونی که برای شورایعالی معارف مقرر فرمودند در آنجا کمیسیون ازعلماء ومسئولیان ومدرسین معین کرده اند که آن کمیسیون نظارت بملومات قدیمه یعنی معلومات دینیه با خصوص در ترویج علوم دینیه و درتدارك طلاب اقدام کند کما اینکه درنتیجه این لایحه که از نظر کمیسیون گذشته است این کمیسیون تشکیل شده است و مشغول اقدام هم هست که بوسائل عملی بتواند این حاجت رامهم برای مملکت انشاءالله تهیه نماید وبرای ترویج علوم دینه وتدارك طلاب آنطرزی که بذل جهد نمایند

راجع بامور حفظ الصحه که فرمودند البته آنهم خیلی لازم وصحیح است وکلا درامر حفظ الصحه (که ازاساس اولیه بقای نوع بشر است) این فقره را نبایداز نظر دقت دورفرمایند همانطور که چندروز قبل عرض کردم یکی از منابعی که برای دولت همیشه خرج دارد وزارت معارف وصحیه است برای اینکه در اینجا دولت باید بقدر حوائج مملکت بذل مال کند ما عجالتاً راجع بصحیه بودجه ناقصی داریم اطباء در اینجا هستند ولی طبیبی را که میخواهیم به ولایات وقراء بفرستیم لازم است که مخارج آنهارا تدارك کرده وسایل آسایش واسباب کار آنهارا فراهم کرد ودر دهات چنانکه ملاحظه میفرمائید بعضی سرمها برای حیوانات و بعضی دواها که مقتضی حفظ الصحه است از طرف دولت باید تهیه شود و باقی بقدری که ضروراست از حیث مخارج وغیره در آنجاها بذل جهد بشود ودربودجه مملکتی سنهٔ تنکوزئیل برای این فقره پیش بینی شده است که بجهت جاهائی که طبیب ندارند بعلاوه برای تکمیل لوازم حفظ الصحه از جمله آبله کوبی وسایر امراض آن نقاط هم کمال اهتمام را داریم ولی مملکت وسیع است و نقاط مختلفه هست که هنوز بقدر مقدور ممکن نشده است برای همه جاطبیب بفرستیم ولی از بودجه تنکوزئیل مبلغی علاوه بر هذه السنه پیش بینی شده است که بعد ازتصویب مجلس بانظر حفظ الصحه و صحیه اطبائی که برای خوار وقصبات لازم است تدارك کرده بفرستیم که بامساعدت مجلس وسایل آسایش وترفیه اهالی آن نقاط انجام پذیرد

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است وبرخی گفتند کافی نیست)

حاج شیخ اسدالله- بنده توضیحی دارم.

رئیس -- آقای محمد ولی میرزا توضیحی دادند ولی توضیح نبود.

اگر میخواهید اینطور توضیح بدهید گمان نمیکنم مطابق نظامنامه باشد

حاج شیخ اسدالله- تصور نمیکنم بنده تابحال بی ترتیب عرض کرده باشم

رئیس- بفرمائید

حاج شیخ اسدالله- راجع به شاگردانی که بخارجه رفته اند آقای وزیر معارف فرمودند اشخاصی هستند که تحصیلات خوبی کرده اند و اسباب افتخار دولت را فراهم کرده اند مثل اینکه تصور کردند که بنده تکذیب کرده ام

تمام افرادی را که رفته اند وتحصیل کرده اند دراینجا سوء تفاهمی شد خواستم عرض کنم بنده درضمن عرایض خودم عرض کردم عدهٔ تحصیلات خوبی کرده اند ودولت وملت ازآنها استفاده میکنند اما تمام آن عدهٔ که شاید چندین هزارنفر برای تحصیل باروپا رفته اند ومراجعت نموده اند این عده شاگردی که رفته اند آن امیدواریهائی را که ما داشتیم ایفا نکردند والا البته بنده هم تصدیق میکنم اشخاصی که رفته اند وتحصیلات خوب کرده اند اسباب افتخار دولت بلکه ملت ایران هم هستند واز خود آنها معلمین هم هست وبنده نسبت باکثریت آنها عرض کردم.

(گفته شد مذاکرات کافی است)

نصرت الدوله- رأی بگیرند

رئیس- آقایانیکه مذاکرات راکافی میدانند قیام فرمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد ماده ۷ مطرح است

(آقای امیرناصر بشرح آتی قرائت نمودند)

۷ - تکمیل قانون اصول محاکمات حقوقی برطبق تجارت حاصله وحوائج حالیه ومطالعه درامر محاکمات جزائی وجدیت در گذراندن قانون تجارب و محاکمه وزراء وثبت اسناد وهیئت منصفه ازمجلس شورای ملی.

رئیس- آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقاسیدیعقوب- بنده خوشبختانه یا بدبختانه مبتلا بدرد هستم وخیلی حالم بد است ولی لازم دانستم توضیح عرایض دیروز خودرا عرض کنم پس از آن وارد درمذاکره این‌ماده شوم:

اینکه دیروز بنده عرض کردم‌ایرانی های قدیم شیران آسمانی نژاد بودند به بنده درخارج اطلاع دادند که این‌لغت‌در نظر آقای ذکاءالملك (بااینکه متبحر در تاریخ هستند) درست نیامده اینست که بنده هم معنی آن‌را عرض وتوضیح‌میدهم شیران آسمانی نژاد یعنی ایرانیهای قدیم دارای شهامت‌ومجدت وبخدت وبزرگواری بودند (خنده بین‌نمایندگان) که اینهاتماماً اوصاف علومی وسماوی وروحی است‌یعنی همیشه صفات روحی درایرانیهای قدیم‌غلبه داشته وصفات مادی در ایشان کمتر بوده است.

دیگراینکه تجارت‌نمیکردند وکسب فالبشان زراعت بوده‌تا دروغ درآن‌نباشد از این‌جهت آنهارا تعبیر کرده‌اند بشیران آسمانی نژاد واما مورخینی که آنرا ذکر کرده‌اند:

من‌جمله کتاب آئینه‌سکندری دروقتی که حکایت غلبه کردن اسکندر کبیر و منقرض کردن سلطنت هخامنشی را بیان میکندمیگوید: کجارفتند آن‌شیران آسمانی نژاد که در هر دوره و هرقرنی ایران را نجات دادند

پس بااین‌تعبیری که شده البته تعجب آقایان رفع خواهد شد.

آمدیم سر ماده (۷) در این ماده میفرماید تکمیل قانون اصول محاکمات حقوقی ... بنده معنی تکمیل قانون را نمی‌فهمم مگر اینکه هر وزیری که که مسئول این ماده است بیان کنند که معنی تکمیل قانون چیست.

چطور وزیر میتواند قانون‌راتکمیل کند! اگروزیر دید قانون نقصانی دارد باید بمجلس پیشنهاد کندزیرا تکمیل‌قانون از وظایف مختصه قوه مقننه است وباید مجلس آن‌راتکمیل‌نماید ولی شخص وزیر نمیتواند تکمیل قانون بکند. چرا برای اینکه قانون مقدس اساسی قوای‌مملکت را معین کرده است.

قوه مقننه وقوه قضائیه‌و قوه اجرائیه حالا در مسئله‌قوه قضائیه و اجرائیه‌اینهادو قوه هستند که مقابل هم هستند.

قوه‌اجرائیه قوه است اعم از دولت‌و در قانون اساسی سه قسم منقسم میگردد. قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه معلوم‌میشود قوه قضائیه قوه است‌مستقل‌فی‌حد ذاته‌ودر عرض قوه اجرائیه است.

قوه اجرائیه‌عبارتست ازوزرای‌مسئول دولت که قانون‌را اجراء کنندو بگذرانند بنده نمیخواهم دراینجا بحث مفصل کنم که قانون را چطور میگذرانند عملیات‌اینطور بوده‌است که‌وزراء لوایح‌قانونی‌رابمجلس پیشنهاد کنندبهمان ترتیب که‌جریان‌دارد بکمیسیون مربوط رجوع میشود وبمجلس میآید و انشاءالله‌امیدواریم‌اجراء کنندهٔ‌پیدا شود.

مقصود بنده اینستکه ما آن اصول محاکمات حقوقی را که قانونی است و گذشته و قریب یازده یا دوازده‌سال است که این قانون در مملکت‌ما و ادارات و شعب آنها جاریست حالا اگر نقصانی در طرز اجرای آن‌قانون باشد باید بمجلس تقدیم شود.

باز برای اینکه وزراء حقوق خودرا ملتفت شوند و بدانندحقوقشان‌چیست‌عرض میکنم حقوق آنها تقدیم‌لوایح قانونی‌است بمجلس و بیش از این هیچ حقی ندارندو نمیتوانند قانونی که از مجلس‌شورای‌ملی گذشته است اجراء نکنند چون‌درمملکت ما قانونی‌است پادشاه ماکه آنقدر احترام بقانون میگذارد و آنرا مقدس میشمارد وزراء بطریق‌اولی بایددر اطاعت‌واجرای قانون بکوشند پس تکمیل قانون اصول محاکمات ربطی بهیئت‌دولت نداردوتکمیل قانون راجع بقوه مقننه و حق مجلس‌است نه حق وزیر.

وزیر باید طابق النعل بالنعل قانونی را که از مجلس گذشته است اجرا کند وزیری که بخواهد مقامش را ملت حفظ کند و محبوبش داند باید اجرای قوانین و تعظیم شعائرمشروطیت‌وتفخیم مقام‌قانون و قوه مقننه‌را فریضه و سنت خویش شمارد وزیر مسئول مجلس وزیریست که قوانین مجلس رامطابق اصول‌قانون اساسی‌اجراء کند نه غیر از این.

ان اکرمکم‌عندالا اتقیکم یعنی‌بیش من مقدس و محبوب کسی است که‌اطاعت قانون را میکندو قانون‌را محترم میشمارد پس تکمیل قانون اصول محاکمات حقوقی ربطی بوزیر ندارد لایحه آن بایدبمجلس تقدیم ودر مجلس تصویب‌شده بموقع‌اجراء گذارده شود حالابنده اعتراض‌نکنیدبنده بشاهزاده سلیمان میرزا هم عرض کردم که‌بنده در اقلیت هستم عرایضی خودم‌را میکنم وشاید باعقیده شما که‌در اکثریت هستید منافی باشد.

بلی این مسئله تکمیل قانون اصول محاکمات‌از مسائل‌فوق‌العاده جالب‌توجه است و باید نمایندگان محترم بنظر دقت این مسئله‌را ملاحظه فرمایند بعد مواردش را بایشان عرضه بدارم بنده همیشه‌عرض‌می کردم قانونهای عادی وقوانینی که‌وضع‌می شود از برای سعادت یك ملت‌باید رعایت احتیاجات وحالات مردم‌رادر نظر بگیرند و مثلا یکدفعه نباید قانون نمك‌را پیشنهاد نمایند چون پیش نمیرود و ازدر مجلس که بیرون رفت اجراء نمیشود .چرا؟ بواسطه اینکه وقتی که دولت لایحه بمجلس تقدیم میکند اول بایدرجال‌دولت وزرای‌مملکت عالم‌باحوال ملت‌باشند. احتیاجات و اخلاق مردم را بدانند وبدانند که توده ملت چه بوده (توده لفظی است کثیرالاستعمال) حالاآقایان ادباء ببنده ایراد نکنند توده مات‌ایران‌چه‌احتیاجاتی داردو چه‌قانونی می‌شود دراین‌توده‌وضع کرد.

ملتی که دارای دیانت مقدسی‌است دو آرای شرافت آباء وا جدادی‌است و ودارای فعالیت‌است‌بایدبرای‌این ملت‌قانون مناسب‌حال وضع کرد.

حالا کارنداریم از قافله تمدن عقب افتاده ایم وامیدواریم برسیم ملاحظه بفرمائید ملت ایران روحاً چه فضائل‌اخلاقی فی مابین ملل عامل دارد.

حاجات و احتیاجات آنها ازحیث قانون‌چه‌چیزاست.

مسلم اگر وزرائی که لایحه بمجلس تقدیم می کنند ملاحظه بفرمائید که مقتضیات ایران چیست وچه قانونی درآن قابل اجراء است هرروز یك‌بند تازه ویك زنجیر علیحده گردن‌این‌ملت بدبخت نباید گذاشت بایداین‌مردم رابقدری که‌توانائی دارند باربرایشان تحمیل کرد و برآن‌ها حکمرانی وفرمانروانی کرد وهی ادارات برای آن‌هاتشکیل‌نداده،

وقتی‌درست‌ملاحظه کردند وحاجات مردم‌را درنظر گرفتند احتیاجات عمومی راملاحظه کردند حالات‌روحی‌عامه‌درنظر شان‌آمد مسلم‌قانونی که‌وضع کنندقانونی است که‌مناسب عادات مردم‌وضع شده‌است قهراً جریان‌پیدا می کند پس مادام که قانون‌مطابق حاجات واحتیاجات مردم‌وضع شود مسلم‌است قوه‌مجریه‌هم‌در اجرای آن دچارزحمت‌نمی‌شودو آن قانون‌طبیعتاً‌جریان پیدامی کند اما اگر وزرای آمدندونشستند می‌بینند درپاریس‌فلان اداره تأسیس‌شده‌یا درآمریکا پس از هشتصدو ده‌سال‌آزادی ومشروطیت‌فلان مؤسسه تشکیل شده‌است میگویند ما هم باید آن اداره را داشته باشیم.

خنده‌بین نمایندگان.

ماهم فورا باید آن‌را جاری کنیم.

درانگلستان مشروطه است ومجلس داردوالان‌هشتصدسال از مشروطه آن ها می گذرد اگر بعداز گذشتن زمان‌ها و تجربیات چیزهائیرا تشکیل بدهند حالا ما نباید بگوئیم مشروطه ما هم بایستی مانند مشروطه انگلیس واتازونی وغیره بلکه‌بالا تر ازآن باشد وباین تند روی وضع‌قانون کنیم و داد و فریادی شود که قانون از مجلس گذشت و نمی شود آن قانون‌را اجرا کرد! (چرا؟) چون حالات مردم مقتضی نبوده و وضعیات و حالات واخلاق عمومی‌را درنظر نگرفته‌اند.

حالا بنده را تنفید نکنند که مفهوم عرایضم‌مخالفت‌است.

بنده‌عرض می کنم‌وقتی که ملاحظه کردند توده ایران مسلمان هستند مسلم است‌قانونهائی که باید از مجلس اسلامی بگذرد مخالف باشرع نباشد وبایدباکمال مرافقت ومدارا باملت‌ایران‌رامرفت. زیرا بنده‌خیلی درایران گردش کرده‌ام وعقیده دارم که خداوند ملتی از ملت ایران زحمتکش تر و صبورتر نیافریده است و نسبت بملتی که‌باین‌بردباری‌ورؤفی‌واخلاق فاضل و صفات کریمه هستند باید ازروی عواطف قانون‌وضع کنندوملاحظه‌شکیبائی این‌ملترابکنند.

دیگراین که ملت ایران ملتی است فوق‌العاده دارای‌احساسات ومتخلق‌بتجاذب واصالت.

(چنانچه‌اجازه‌فرمائیدیك‌شعربخوانم

بزرگی‌مرایرانیانراست‌بس
بزرگی‌نیرزد ابرهیچکس)

وعقیده ام‌اینست که‌چون مردم ایران دارای کمالات هستند بایدقانونی که‌برای آنهاوضع‌می‌کنند وزیر وکیل‌شاه صدر اعظم‌همه بدانند که‌اهل این‌مملکت هستند اگرقانون صحیحی وضع کنند دور آن‌ها میگردند چون‌می‌دانم‌درهر نقطه که‌مامورین دولت نسبت بمردم رأفت کردند مردم با قدری باآن‌هامهربان هستند وبقدری‌تشکر ازآنهادارند که‌چه‌عرض کنم امابرعکس نقاطی که نسبت بمردم آنها ظلم می شود هیچ از مأمورین دولت خوششان نمی‌آید باین‌جهت در این‌ماده ۷ نوشته شده است برطبق تجارب حاصله وحوائج حالیه در این قسمت بنده اعتراض‌دارم.

کی تجربه کرده است؟

آنکسیکه در ایران تجربه کرده و حالات مردم‌را دیده‌است کیست؟

بینده بنمایانید کسیکه از خانه اش بیرون آمد ودر ایران گردش کرد (ویرانی بلاد وپریشانی‌عباد را فهمید) کیست؟این عبارات چشم بندیست تجارب حاصله کدام تجربه؟

کی رفته است تمام ایران را گردش کند وحالات مردم رابداند وصفات مردم‌را ببیند واقتضاهای مملکت را بفهمد؟ بغیراز محدود بودن درطهران کجا رفته است! البته باید قوانین برسبیل تجربه‌باشداما کی تجربه کرده است.

بنده که نمی‌دانم کسی تا بحال رفته وحالات ملت‌را دیده‌باشد

انشاءالله امیدوارم که بعد ببینم پس اینها کسانی نیستند که تجربه کرده باشند و بتوانند قانون برای ایرانی ها وضع نمایند.

پس اینکه اینجا نوشته: مطالعه در امر محاکمات جزائی من‌نمی‌دانم که‌مطالعه آیا عمل است مگر اینکه این اصطلاح تازهٔ باشد والا وقتیکه ما درمدرسه بودیم شب کتابرا باز میکردیم ومی گفتیم مطالعه میکنیم بعدهم که (فردا) می‌آمدیم‌مذاکره میکردیم می گفتیم داخل عمل شده ایم.

امااینجا مطالعه را جزء مشی دولت قرار داده است بنده خیلی متأسفم بااینکه مثل‌آقای ذکاءالملك وحاج محتشم‌السلطنه که‌ادعای اعلم‌العلمائی میکنند دراین‌کابینه نشسته اند چطور مطالعه را جزء مشی دولت نوشته‌اند.

مطالعه عبارت از کتاب در دست گرفتن و نگاه کردن است اینستکه بنده بااین‌بروگرم (اصلا وفرعاً ،ظاهراً وباطناً اولا وآخراً صورتاً و معناً ، مخالفم وچون میدانم که‌توضیح آقایان‌هم اقناع کننده‌نیست و اکثریت هم زود می گویند مذاکرات کافی است عریض خودرا کردم و مرخص شدم.

رئیس - اگر آقایان‌موافق‌باشند چند دقیقه تنفس می‌شود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل وپس از نیم ساعتی مجدداً تشکیل گردید.

رئیس - آقای‌تدین
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده توضیحی داشتم.

رئیس - بفرمائید

آقا سیدیعقوب - گویا درعرایض بنده سوء تفاهم یا سوء تسامع شده است والا بنده نسبت بتجار اصلا غرضی نداشتم و تجار هم مطابق حدیث الکاسب حبیب‌الله خیلی محترمند؟

فقط بنده عرض کردم که درتواریخ نوشته اند که درقدیم مردم کمتر بتجارت می‌پرداخته اند و بیشتر زراعت میکردند نه اینکه خدای نخواسته منقصی را نسبت بتجار محترم عقیده‌دار باشم البته آبادی مملکت بواسطه‌تجار است

تدین - بنده چون میخواستم خیلی باختصار جواب بیانات آقای آقاسیدیعقوب را عرض کنم این بود که اصلا نمیخواستم پشت تریبون بیایم ولی‌حالا دیگر آمدم:

قسمت اول فرمایشات شان راجع بود بتوضیح شیران آسمانی‌نژاد.

البته همانطور بود که خودشان‌توضیح دادند و راجع بخودشان است بعد وارد شدند درمادهٔ ۷ و راجع بتکمیل قانون اصول‌محاکمات حقوقی مذاکراتی‌فرمودند و خلاصه اش این بود که در این ماده رعایت قوانین نشده است و دولت حق ندارد قوانین را تکمیل کند و تکمیل قوانین از وظایف مجلس است‌و فرمودند که‌چرا تکمیل‌قانون‌اصول‌محاکمات حقوقی گفته اند و درخواست تکمیل نگفته‌اند.

البته تصدیق‌میفرمایند که‌اوایح‌قانونی را مطابق قانون اساسی و قوانین‌امروزه دولت تهیه میکندوالا دولت بدون تصویب مجلس حق وضع و تکمیل و انشاء قانون ندارد.

مقصود از تکمیل قانون‌اینستکه‌دولت در نظر گرفته است نقایصی‌راکه‌در قانون اصول محاکمات حقوقی امروزه است رفع نماید و میخواهد مورد مکملی برای آن قانون تهیه کرده تقدیم مجلس کند و بعد از آنکه از تصویب مجلس گذشت بموقع اجراء گذاشته‌خواهدشدو اگر بخواهم‌داخل در این مباحثه شویم که‌چرا تکمیل گفت و درخواست تکمیل‌نگفت بالاخره‌وارد می - شویم در آن مباحثاتیکه درقدیم‌بوده‌است (ومخصوصاً بخاطرهست که در علوم قدیمه معمول‌بود که مدتها بحث میکردند که چرا این کلمه‌را گفت‌و آن کلمه‌رانگفت: مثلا وقتی صرف میر خواندیم یکهفته معلم ما را مجبور کرد چیزهائی‌را که نوشته بود" یا بگیریم‌ودر این‌عبارت:

بدان ایدك الله‌تعالی فی‌الدارین که کلمات لغات عرب‌برسه گونه‌است:

چند روز ما را معطل کرد که چرا بدان گفت و بخوان نگفت و اعلم نگفت و افهم نگفت و ادرك‌نگفت.

حالا از این مبحث میگذریم وبعلاوه درخواست تکمیل‌غلط است چون در آن صورت تکمیل عمل مجلس می‌شود و این منافی است باآن اصلی که دولت‌بایدلوایح راتهیه کند بواسطه اینکه دولت مستقیماً با مردم طرف است‌وبرطبق‌احتیاجات‌مملکتی ووضعیات و مقتضیات مملکت لوایح قانونی را تهیه کرده تقدیم مجلس میکند بعد هم مطالبی فرمودند که موضوعهای مختلفه بود و تقریباً بعضی از آنها در محلش صحیح بودوفرمودنداین‌مملکت‌مملکت‌اسلامی‌است و قوانینی که وضع می‌شود باید با مذهب اسلام مخالفت داشته باشد وچه‌وچه‌وچه.

تمام اینها صحیح است ولی مربوط باینجا نیست چون قانون را مجلس وضع میکند و ما هم قسم خورده‌ایم مطابق قانون اساسی رفتار کنیم قانون‌اساسی‌هم‌این‌قیدرا کرده‌است.

اما مطالعه در امرمحاکمات جزائی را درتحت‌تنقید در آوردندوفرمودندمطالعه عمل نیست.

البته خودشان تصدیق میفرمایندکه مطالعه عمل است منتهی کیفیت مطالعه‌فرق میکند.

یکدفعه کتاب را جلوروی خودش‌می گذارد ودرعبارات دقت میکند و بعد هم در فهم مطلب دقت مینماید و بعد فکر میکند که مقصودصاحب کتاب‌یاصاحب‌لایحه چه‌بوده.

خود فکر کردن و راه‌حل مسئله‌را پیدا کردن عملی‌است.

نهایت‌عمل دوقسم‌است:

یك عمل استکه بوسیله حواس‌ظاهره انسان‌می‌شود.

ویك عمل استکه حواس باطن انسان می‌شود و ممکنست اصلا کتابی نباشد و انسان موضوعی را درنظر بگیرد و مدتها در اطراف آن‌موضوع فکر نماید‌ومعایب و محاسنش را ملاحظه کندبعد آنهارابهم میسنجد و در نتیجه فکرو تصمیمی اتخاذ میکند.

بنابراین مطالعه عمل است ونمی‌شود گفت‌عمل‌نیست.

اما اینکه‌چرا کلمه مطالعه در اینجا ذکرشده است‌وکلمه دیگری ازقبیل‌اهتمام و سعی‌و کوشش گفته نشده است‌بعقیده‌بنده کلمه مطالعه بهتر است زیرا مطالعه‌درامر محاکمات جزائی است و البته محاکمات جزائی مطالعه‌لازم دارد و بدون‌مطالعه‌فکر نمی شود قوانینی نسبت بعرفیات‌وضع کرد و راجع بشرعیات آنچه بوده است هست‌و هیچ احتیاج ندارد که قانونی وضع کنیم بعلاوه نمی توانیم نسبت بقانون اساسی‌تغییری قائل‌شویم وبیش‌از این لازم‌نمی‌دانم‌مزاحم آقایان‌شوم.

رئیس- آقای‌شیخ‌الرئیس
(اجازه)

شیخ‌الرئیس- بنده ازماده‌قبل‌عرض داشتم ودراین‌ماده‌عرضی‌ندارم.

رئیس - آقای آقاسید فاضل
(اجازه)

آقای حاج‌شیخ اسدالله مقدم‌بودند و بنده اشتباه کردم

حاج‌شیخ‌اسدالله - یکقسمت ازاینماده راجع‌است بتکمیل قانون‌وخیلی هم‌خوبست ولیکن چون تکمیل یااصلاح‌قوانین قضائیه اعم ازمحاکمات حقوقی‌یامحاکمات جزائی یااصول تشکیلات عدلیه است. عقیده بنده نسبت بقوهٔ قضاییه مملکت آنطوریکه بعضی ازآقایان اظهار کردند نیست. قوه‌قضائیه مملکت مااامروز بااصول وقوانینی تشکیل شده است وبااصولی اداره میشود که ناقص است وبایستی کم کم تکمیل شود بطوریکه مطابق‌مرام‌وآرزوی ملت‌باشد لیکن‌چیزی که بنده‌رااوادار کرده‌است‌باینکه دراینماده بعضی عرایض بنمایم برای توضیح‌خواستن مثل‌مادهٔ قبل‌است وگویا دیروز یا پریروز بود که‌آقای وزیرمعارف درضمن فرمایشات شان اظهار نمودند برای‌تکمیل قوه‌قضائیه بایدمساعدتهائی هم‌ازطرف‌علماءوروحانیین بشود بنده معتقدم که باید دولت هم راجع بنظریات‌روحانیین‌قدمهای مساعدی‌بردارد وتابحال منتهی‌آرزوی ملت‌ایران این‌بوده که قوه‌قضائیه‌شان بسرحد کمال برسدحالا علت اینکه بسرحد کمال نرسیده چه بوده است؟

جهتش همان‌بود که روزگذشته‌عرض کردم که یك اختلاف نظری دربین تولید شده وآن‌اینستکه بعضی عقیده دارندبرای قوه‌قضائیه‌فقط تصدیق‌نامه وتحصیلات‌مدرسه حقوق کافی است مثل‌ترتیبات اروپا. حالا عرض‌نمیکنم‌تمام آقایانیکه‌رشته‌تحصیلاتشان درآن قسمت بوده است معتقد باین اصل باشند ولی بعضی از آنها این‌عقیده‌رادارند ازآنطرف بعضی معتقدند وتمام‌این قوانین وترتیبات وتمام این‌قوانین وترتیبات جدیده باید دور بیفتد ومثل‌قدیم در محاضر شرع قطع دعاوی ورفع اختلافات بشود. بنده می گنم نه بآن درجه که آقایان دسته اول معتقدند عقیده دارم ونه باین درجهٔ که این قسمت ازآقایان قائلندبلکه بنده عقیده‌دارم هرقانونیکه در مملکت وضع میشود باید مطابق مقتضیات‌واخلاق وعادات آن‌مملکت باشد برای‌اینکه قانون‌عملی بشود ومصداق ومورد عمل افرادمملکت هستند ازاین‌جهت استکه قوانین‌موضوعهٔ دنیا پس ازمدتی به تناسب تغییرعادات واخلاق مردم‌هم مجبور می‌شوند که قوانین‌را تبدیل بدهندآقا ما اصلی کلی دردست داریم راجع بمذهب و دیانتمان که ثابت ولایتغیراست ودرقوانینیکه وضع می‌شودباید هم رعایت‌آداب واخلاق و هم مراعات قوانین مذهبی بشود. رشته قضاوت که یك‌رشته‌حقوقی ویکرشته جزائی دارد رشته حقوقیش همانستکه عرض کردم وباید ازروی قوانین مذهبی مارعایت‌بشود ولی البته بایدقوانین اروپا وسایرقوانینی را که قاضی‌لازم داردبرای اینکه عدلیه مرجع تظلمات عمومی است وازتمام ساکنین این مملکت اعم‌از تبعهٔ داخله یاخارجه قضاوت کند بنابراین باید قوانین آنرا هم‌بدانند.

چندی قبل از این راجع بمتعلمین مدرسه حقوق که دراینجا مطرح‌بودبنده بااینطرز تعلیم موافق نبودم و در کمیسیون نظریات خودم‌را عرض کردم اگرچه بنده معتقدم که بایستی نظریات دولت دراینمورد اساسی‌تر شود وقدمهای مساعدی‌راجع بمدرسه‌حقوق ومتعلمین‌آن بردارد وسعی کند ازاشخاص ایرانیکه درخارجه تحصیل‌حقوق‌کرده‌اند ولیاقت معلمی‌این مدرسه رادارا هستندعدهٔ رابرای معلمی این مدرسه استخدام‌نمایند. زیرا زبان درفهم مطالب خیلی دخیل‌است ومتأسفانه تا بحال دولتهای گذشته متوفق نشده‌اندباینکه یك‌دارالترجمهٔ تأسیس کنند که‌کتب علمیه اعم ازاینکه راجع بحقوق‌و قوانین یاعلوم دیگرباشد تهیه کنند که همه کس بفهمد آنوقت طریق تحصیل حقوق خیلی سهل می‌شود ومجبور نیستم که حتماً یا شاگردان خود را بخارجه بفرستیم ویا از خارجه معلم استخدام کنیم و البته آقایان تصدیق میفرمایند که اگرشاگردی بخواهد یکزبان خارجه را تحصیل بکند

مدتها باید وقت خودرا صرف تحصیل زبان خارجه بکنند تابعد بتواند علم حقوق را تحصیل بکند ولی اگر قوانین بفارسی ترجمه شده بود این مقدار وقت محصلین صرف نمیشد.

اما راجع بقوهٔ قضائیه درخصوص آن قسمتی که در آخر ماده نوشته شده است : مطالعه در امر محاکمات جزائی . البته نظریه دولت راجع بوده است بآن قوانین جزائی که باید اجراء شود اگرچه قوانین جزا در مملکت ما مطابق اصول شرع غراء است ولی باید مرتب ومدرن شود و اصول قانونی پیدا کنند و دولتهای گذشته برای اصلاح قوه قضائیه تصور می کردند همان قوانین جزائی که در خارجه معمول ست میبایست ترجمه‌شود و دراینجا اجرا گردد.

قانونی ترجمه کردند وبموقع اجرا گذاشتند ولی در موقع عمل دیدند که قابل اجراء نیست برای اینکه همان‌قانون جزای عرفی اصول‌مسئلهٔ داشت که منافی با اصول عقاید مردم بود ازاین جهت‌مردم زیربار اجرای آن نمیرفتند وبواسطه‌همان فشارها وهمان مخالفتها بود که بالاخره دولت مجبور شد که اجرای آنرا موقوف دارد وبنده معتقدم دراین قبیل قضایا یك طرف اشخاصی را قراربدهند که آن‌عقیده رادارند.

یکطرف دیگر آقایان علماء اعلام باشند وبالاخره‌ترتیبی شود که این ریسمان پاره نگردد وهم چنین بنده معتقدم که بایستی قوانین را بعمل نزدیك کرده‌قانون جزائی که برای این مملکت وضع میشود باید مطابق بااصول عقاید مذهبی باشد و چون درقانون سابق این ملاحظه‌نشده‌بود قابل اجراءنبود ودراین پرگرام‌هم‌مینویسد مطالعه در قانون محاکمات جزائی خوب است این نکته را هم متذکر شود که این اصل با قوانین مذهبی مملکت‌موافقت داشته باشد و بطور اجمال نماند و تذکر باین مطلب بعقیده بنده خیلی لازم بود.

دیگر اینکه در این ماده‌نوشته شده است تکمیل قانون اصول‌محاکمات‌حقوقی. این‌قانون قانونی استکه تاحدی بآن عمل شده ونواقصی دارد که البته آقای وزیر خارجه که‌ریاست تمیز را عهده‌دار بودند بهتر می‌دانند که بایدنواقص آن به‌فوریت اصلاح شود و جهت آنکه‌این مطلب‌تابحال بمجلس تقدیم نشده است نمی دانم چیست گویا مشغول تهیه و ترتیب آن‌هستندوبنده معتقدم که اصول محاکمات حقوقی و بلکه اصول تشکیلات هم بعقیده بنده لازمستکه اصلاح شود که اسباب سرعت‌جریان‌وتسهیل امورمردم‌باشد.

این بودعرایض بنده راجع بپرگرام که‌لازم بود دراین ماده ذکر شودبقسمیکه موافق بامذهب خود ایرانیان و مسلمانان باشد و البته درآن موقع لازم میشود که نظریه علماء و روحانین نیز جلب شود و بنده اطمینان دارم که علماء وروحانین کاملا علاقه‌مندند باینکه‌قانون جزا مرتب‌شودولی درصورتیکه دولت هم بخواهد نظریات آن ها را در این قانون جلب کند نه اینکه بمیل و اراده خود قانونی را ترجمه نموده بمجلس شورای‌ملی پیشنهاد کند که‌تصویب شودو اگر خدای نکرده چنین قانونی از مجلس بگذردبر خلاف قانون‌اساسی‌خواهد بود.

وزیرامورخارجه- چون نظامنامه مجلس مبنی بر اینستکه نقطها بترتیب موافق و مخالف بشود چنین اتفاق میافتد که آقای حاج شیخ اسدالله‌مخالف‌محسوب وبنده موافق و حال آنکه عرایض بنده مخالف فرمایش ایشان نخواهد بود بلکه تمام تصدیق ایشان است و بهمین جهت استکه ایشان اسم بنده را ذکر کردند بنده اینجا قدری ازطرف آقای‌وزیرعدلیه بنیابت‌عرض میکنم :

در آنچه که‌شما بما تذکر دادید کاملا مصدق شمائیم وهیچ اختلافی‌نداریم و مسلم است که این مملکت مملکت‌اسلامی است‌وماهم‌بحمدالله‌شرف‌اسلام‌داریم‌ومجلس شورای ملی‌هم مجلس اسلامی است‌وقانون هم دراین مملکت مطابق قانون‌اساسی‌باید ازتصویب مجلس بگذرد وبایستی باقوانین شرع مقدس مخالفت نداشته باشد . دراین موضوعات لازم‌نیست‌زیادتوضیح بدهم‌بعضی چیزهارا که بایست تذکراً عرض کنم‌عرض میکنم وآن اینستکه فرمودند قوه قضائیه آنطوریکه مردم تصور میکنند بدنیست و صحیح هم‌نیست من باب اینکه خودم جزء قوه‌قضائیه بوده‌ام بلکه ازباب اینکه اعضاء قوه قضائیه رامیشناسم وعرض میکنم که اعضاء قوهٔ قضائیه دراین مملکت ازبهترین مردمان هستند نه اینکه عرض کنم عدلیه مملکت‌ماهیچ عیب‌نداردوازحیث‌اعضاء کامل است . خیرشاید اعضاء بدهم داشته باشد و مقصود بنده آنها نیست وعرض میکنم که قوه قضائیه مانسبتاً از بهترین قوای قضائیه است اما اینکه چرا تاکنون بهتر ازسابق نشده است‌آن عللی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند اگرهم باشد علت کاملی نیست وعلل دیگری دارد ،علت‌اصلی‌اینکه قوه‌قضائیه چه از جهة اشخاص وچه‌ازجهت جریان آنطور که باید نیست اینستکه در این مملکت‌آن اندازه که لازم است مردم متوجه نشده‌اند باینکه جریان اموربرطبق قانون باشدچه مجریان قانون وچه آنهائیکه باید قانون درحق آنها اجراشود اگرملتفت این مسئله بودند و اهتمام کرده بودند که قانون مجری شودحالاخیلی بهترازاین بود ومختصرآتوضیح‌میدهم اولاعدلیه بدون‌قانون لفظی است بدون معنی . اگرهرچیزی یاهر اداره را بتوان تصور کرد که بدون قانون میشود اداره کرد (اگرچه این‌را هم‌معتقد نیستم ولی‌میشودتصور کرد مثلامیشودتصور کرد که اداره معارف‌ووزارت جنك وشاید ادارات‌داخله بتواند کاملا جریان کندبدون اینکه منطبق برقانونی‌باشدولی تصورعدلیه رانمی‌توان کرد زیراعدل یعنی رعایت‌قانون واگررعایت قانون نشود عدل‌معنی نداردو عجب‌درانیستکه بااین حال ماهنوز متوقع هستم‌گاهی ازاوقات که تقید بقانون دربین نباشد . زیرالازم نیست بنده توضیح بدهم‌و البته همه‌آقایان‌میدانند که اینطوربوده‌است من جمله‌یکی‌ازقوانین راجعهٔ بعدلیه قانون امتحان‌بود درقانون اصول تشکیلات عدلیه (که ده سال بلکه دوازده سال قبل‌ازاین‌از همین مجلس گذشت وبعضی ازآقایان‌که الان هم‌دراین مجلس شرف حضور دارند درآنکار شرکت داشته مقررداشته بود که یکی ازشرائط عضویت‌عدلیه امتحان استکه کاملااجرا نشده‌واگرآن قانون کاملااجرا شده‌بودآن معایبیکه‌آقای حاج‌شیخ‌اسدالله فرمودند خیلی کمتر ازاین بودزیرا درآن قانون (یعنی نظامنامهٔ که برطبق آن قانون نوشته شده بود در آن دوره مجلس آن نظامنامه بایك جزئی‌تصرفات مبدل بقانون شد) برای عضویت‌عدلیه شرایط ومعلوماتی را قائل‌شده بودند که من‌جمله فقه وقوانین موضوعه بود ومجلس باید برطبق قانون و آن‌نظامنامهٔ که حالامبدل بقانون‌شده است میبایست هرکسیکه میخواهدمستخدم عدلیه بشود فقه بداندقوانین‌را بداند واگررعایت این‌قانون کرده‌بودندتصدیق خواهیدفرمود مردمیکه متوقعند در عدلیه مستخدم شوند مجبوربودند که بروند وتحصیل فقه بنمایند واینکه هی گفته میشودبایدمعارف راترویج کردبنده اینجا بمناسبت میخواهم یك درد دلی بکنم معارف باینحرفها ترویج نمیشود بلکه معارف باین ترتیب ترویج میشود که عالم‌را برجاهل ترجیح بدهند

(بعضی ازنمایندگان - صحیح است)

وچون گاهی درمجلس‌شورای ملی‌شعر میخوانند بنده هم شاعری میکنم آن مرد بزرك گفته است

آب کم جو تشنگی‌آور بدست

شما عالم‌رابرجاهل‌ترجیح بدهیددیگر هیچ کار نکنید مردم‌طبعاً عالم‌میشوند

(ازطرف نمایندگان - احسنت احسنت

دیگراینکه گفتگو میشود که دولت ایران سعی میکند دراینکه فقیه تهیه نماید مگرصد سال دویست سال سیصد سال‌پانصد سال قبل ازاینهمه فقهای بزرك که افتخار عالم انسانیت هستند در این مملکت پیدا نشده مگرما یك وزارت معارفی داشتیم که مدرسه فقه درست میکرد ؛ خیرمردم فقیه‌را محترم میداشتند وعلم فقه رالازم میدانستند باین جهة فقیه پیدامیشد حالاهم همینطور بکنید اینطورمیشود امروزبنده‌فقیهٔ راعرض نمیکنم طبیب‌را هم مهندس راهم ومعلم را هم عرض میکنم برای اینکه برای فقیه شدن علم فقه وبرای طبیب شدن علم طب وبرای مهندس شدن‌علم‌هندسه‌لازم است یك کاری بکنید که این درد دوا بشود اگر این‌درد دوا شد که مردم بواسطه پارتی و بقول معروف بهووبشفاعت بمقامات‌نرسیدند علم‌خودش ترویج می‌شود

(احسنت احسنت صحیح است)

یك علت دیگری که بنده برای‌ضعف عدلیه تصور میکنم‌اینستکه بدبختانهٔ عدلیه که ده سال در اینجا بودم وبااینکه نقطه اول مشروطیت واصلاح مملکت ونقطه اول سیاست بالاخره عدلیه مطلوب باالذات است وهمه چیزهاواسطه‌ووسیله است‌وزارت مالیه برای‌اینستکه پول سایرادارات راراه بیندازد وزارت جنك برای اینستکه برای عدلیه قوه درست‌بکند وزارتخانهای دیگر برای همین است ولی وزارت عدلیه برای اینستکه در مملکت عدالت برقرا رکند

(صحیح است)

آنها اسباب و طریقند وعدلیه مقصود است معذلك‌درین مملکت عدلیه مقصوداست معذلك درین مملکت عدلیه ازتمام ادارات کمترطرف توجه واقع شده وبودجه ازهمه کمترواشخاصش ازهمه کمترمحل‌اعتناهستند ولازم نیست زیاد دراین قسمت طول کلام بدهم توجه کنید بعدلیه اعتنا کنید عدلیه را تقویت کنید امتحان راهم شرط‌قرار بدهید آنوقت خودش درست می‌شود

(احسنت احسنت)

رئیس- آقایانی که‌مذاکرات‌راکافی می‌دانند قیام‌فرمایند

(عده کثیری‌قیام نمودند)

رئیس - معلوم می‌شود کافی است مذاکرات راجع بکلیاتست آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج‌شیخ‌اسدالله - عرضی‌ندارم

رئیس - آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - چون مذاکراتی‌در کلیات این‌پرگرام ازاول عرض شدوتقریباً سه‌روز است‌درمواد‌صحبت‌می‌شود‌تحسین‌مفیدوتنقید غیرمفیدبالاخره‌وبقول آن‌شخص عارف‌یزدی مذاکره خیلی کردیم الفاظ خیلی گفتیم اما روح‌نزاع دراین سه چهار پنجروز چه بود ونتیجه چه شدمعلوم‌نشد - حالاعرض میکنم وگمان میکنم اغلب مذاکرات موجب‌نشد که یك مجهولاتی معلوم‌شود توضیحاتی خواسته شد بعضی‌راخودآقایان وزراءبیان فرمودند وبعضی راآقایان دیگر در بعضی موادما ها هم که موافق بودیم اظهاراتی کردیم ولیکن روح‌مسئله چه بود وچه‌شد وبیاناتیکه‌آقای ذکاءالملك فرمودند آیا عملی می‌شود ؟ توصیه که‌آقای حاج‌معتشم

السلطنه وزیرمعارف‌فرمودند عملی میشود؟ نمی‌شود زیرا بتجربیاتی که کردیم دیدیم که نشدچرانشد ؟ البته بعضی‌شرایط‌موجود نبود بعضی‌موانع هم موجودبود علی‌ای‌حال ازبرای هر کاری یك اشخاصی لازم است آقای ذکاءالملك فرمودند چون علم قدر وقیمت نداردداشخاص بی تحصیل آن‌نمیروند صحیح فرمودندخوب اگرعلم‌طب اثرداشت طبیب خیلی بود و هکذا فقه ولیکن متفقه فقیه‌نمیشود مطتبب طبیب نمی‌شود وعرض می کنم که مملکت مارجال کافی‌ندارد یاما ازبرای تجربیات‌اثری باقی‌نمیگذاریم بنده معتقدم اینستکه مابایدد درهر کاری‌اهل آنکاررا از برایش باقی بگذاریم و تصور میکنم ما نسبت بهیئت دولت ممتنع هستیم برای اینستکه این موادی که نوشته شده است خیلی‌مشعشع است ولیکن عملی‌نیست آقای حاج‌معتشم‌السلطنه درمعارف خیلی نطق کردند واهل‌علم‌هم‌هستند ولیکن‌معارف را توسعه نخواهند دادبلکه تضییق خواهند کردولی‌آقای وزیرجنك در عرض یکسال وکسری یك‌وزارت جنك ترتیب‌دادندبنده اگرعیب باشد میگویم حسن هم باشد می گویم همانطورگفتیم اگر ایشان بگویند نشون عمومی رادرتحت یك‌لایحه شروع‌می کنند ودرظرف‌ششماه‌یایکسال دیگرلااقل یك ایالت یایك ولایت را شروع میکنند من‌چون مظنه دارم قبول‌میکنم خودآقای ذکاءالملك گویادرآن‌دوره تشریف‌داشتند که این قانون موقتی عدلیه از کمیسیون گذشت ودرحقیقت اول‌قانونی بود که یك صورتی داشت چون‌قوانین ماازقبیل قانون وزارت داخله که حالانمی دانم توی کدام طاقچه است ترجمه شده بود وعملی‌هم نشد وهمانطور که فرمودند که اداره قوهٔ قضائیه اصلاح‌نشده‌است بجهت‌اینکه وقتی‌بدستمان دادند نه‌سابقه داشت ونه تجربه اگرشمشیر را بدست من‌بدهند که جنك کنم بساهست که اول دست‌خودم‌رابزنم قانون قانون‌دان میخواهد عالم‌میخواهدرفیق‌من‌شاید بفشار من‌وزیربشود اینکه نمیتواند کار بکند ولی وزیروزیر است ولواینکه وزیرنباشد کسی استکه هفده دفعه وزیرشده است والان‌نقل میکنند درب وزارتخانه‌اش راگم میکند والبته این‌را نمیشود انکار کرد کسانیکه دوسه دوره وکیل بودند مثل‌آقای شیخ‌الرئیس‌البته قانون ونظام‌نامهٔ داخلی‌رابهتر ازبنده می‌دانند چون‌دراینکار خبره‌شده‌اند پس مقصود این است این مرامی‌را که در قانون یادردستور مینویسد برطبق این‌مرام شخصی هستکه کارکند .آقای نصرالملك وزیرمالیه نیست هزارسال‌هم‌توی مالیه‌باشد بواسطهٔ اینکه مسئله مالیه مسئله فنی است وزارت فنی است ایشان از عهده اینکار برنمی‌آید ..

(جمعی گفتند - توهین میکنید)

رئیس -آقا داخل شخصیات نشوید

مدرس - وزیرمالیه باید فن مالیه را بداند وزیرعدلیه باید قوانین عدلیه رابداند وهمچنین سایر وزراء باید قوانین مربوطهٔ بوزارتخانه خودشان رابدانندطبیب بایدعلم طب را بداند پس اگر کسی مخالف یا ممتنع یاساکت باشد مورد ندارد بگویند چراساکت است جهت سکوت ازروی علم وزمان است لیکن پنجروزما مباحثه کردیم وآنقدر که خودآقایان‌جواب دادندیااینکه سایرین جواب‌دادند روزاول بنده‌در کلیات این پرگرام عرض کردم که دوماده‌ازاین پرگرام عملی‌است وباقی‌آن عملی نیست و اتفاقاً جواب آنرانداندند واین مطلب‌رابجهة این گفتم که آقایان بدانند اگر من و رفقای‌من بعدازچهارروزممتنع‌شدیم ازروی دلیل ممتنع‌شدیم چون‌جوابهای ایشان‌مارا قانع نکردتمام این‌موادی که دراینجانوشته شده است دوتای‌آن عملی است ومابقی‌آن صرف لفظ است وعامل نداردلهذا ممتنع هستیم

شیخ الاسلام - پرگرام های سابق عملی بود؟

مدرس - هر کدامش عملی نبودقبول نکردیم ششماده‌اش عملی بود وقبول کردیم وتمامش‌هم عملی‌شد پرگرام‌ها مخفی‌نیست پرگرام‌هامواد‌معینی‌داردومواد عملی‌هم‌دارد لهذابنده مکلف هستم که ازروی‌دلیل‌عرض کنم که مخالفت بی دلیل صحیح نیست وباید ممتنع وساکت بودتاموقع عمل البته اگرعملی‌شد همه کمال مساعدت را دارند وتکلیف مان‌هستکه مساعدبکنیم ودوماده آنراکه عرض کردم یکی راجع بنفط بود که عملی استویکی دیگرهم مسئله قشون عملی‌بود که عملی میشود ومابقی دیگرعملی نمیشود وهمانطور توسعه معارف راعرض کردم فقط صرف لفظ است وعمل ندارد شاید چهارتا بتوانند بودجه‌را زیاد کنندولی ازبرای هرمطلب‌فنی اهل‌فن‌لازم است بناء علیهذا آنچه عرض کردم انشاءالله اسباب ملالت نخواهدشد بواسطه اینکه الحمدلله از خوبان وصاحب نیات مقدسه هستند اما موافقت راجع بنیت‌نیست بلکه متعلق بعمل است یعنی امکان وقوعی نه امکان‌عقلی‌لهذا عرایض خودم‌را خاتمه میدهم و الان که رأی داده میشودالبته من‌ورفقایم ازممتنعین خواهیم بودوامیدواریم که این موادبموقع اجراء بیاید تاماهم ازموافقین شویم

رئیس -آقای مدرس‌ازحدود مسئله خارج شدند چند روز قبل اینجا گفتند من آدم جنگی‌نیستم ولی‌امشب خصمانه حرف زدندوازحدودمسئله خارج‌شده درشخصیات وارد شدند

شیخ‌الاسلام - بوزراء هم توهین می کنند .

مدرس - بلی . وزرامان هیچ بلد نیستند .

شیخ‌الاسلام - بلدهستند شمانمی گذارید.

رئیس -آقای دست‌غیب

(اجازه)

شیخ‌الاسلام -آقامذاکرات کافی است . همهٔ این‌حرفهااسباب تضییع‌وقتست

رئیس - تقاضای کفایت مذاکرات نشده است .

حاج سید محمد باقر دست غیب - متأسفانه از وقتیکه پروگرام دولت مطرح شده است ومن خواستم درتمام مواد آن صحبت کنم لکن چون صبح قدری دیر آمدم که امضاء کنم و نوبت بمن نرسید که در مواد صحبت کنم لکن در کلیات بمن اجازه داده شد که قدری صحبت نمایم و حالا قبل ازاینکه داخل کلیات پروگرام بشوم لازم است مقدمتاًعرض کنم و آن اینستکه البته آقایان التفات دارند که خیلی فرق‌است‌میانه سؤال و استیضاح یا تنقید ازپروگرام ؛

یك‌وقتی‌است‌وکیلی از وزیری‌سؤال میکند یکوقت است استیضاح میکند یك وقتست‌ازاین پروگرامی که روی کاغذآمده تنقید میکند .

البته آقایان‌میدانند که فرق میکند بعد از این مقدمه مسئله دیگر اینستکه در این سه چهار روزه مجلس که بنده مذاکرات راگوش می دادم ویادداشتهائی هم که درهرماده‌نمودم دیدم یکنفرازآقایان مخالفین و ممتنعین اساساً مخالف نبودند برای اینکه هریك از آقایان مخالفین و ممتنعین وقتیکه پشت میز خطابه آمدند اول حرفشان شرحی از تمجید آقای مستوفی‌الممالك رئیس‌الوزراء بود ونه تنها بنده واهالی این شهر بلکه تمام ایران‌این مسئله را تصدیق میکنند که سوانح عمری شخصی آقای رئیس الوزراء حالیه سوانح وگذراندن عمری است که از وقتیکه پا بدائره دنیاگذارده‌اند تا الساعه لکه به دامان ایشان نچسبیده است (گفته شد صحیح است) حالا بنده نمی خواهم عرض کنم که ایشان العیاذ بالله مقام عصمت را دارا هستند وایشان معصومند ولی وقتی در میان افراد ایران نظر کنیم عقیده بنده اینستکه افراد ایرانی هیچکدام خائن نیستند .

یك کلمه را هم بنده مجبورم عرض کنم آقای مدرس‌دراثناء نطقشان‌فرمودند که شایدمارجال‌نداریم .

بنده هیچ مصلحت نمی دانم در یك مجلس رسمی شخص متبحر در علمی مثل آقای مدرس بفرمایند شاید ما رجال نداریم . خیر بنده عرض می کنم ما رجال و اشخاص خوب و کافی و امین و آدمهائی داریم که وقتی پشت میز می‌نشینند بجز کار اداری چیزدیگری را نمیدانند ونمی‌فهمند وتوصیه وسفارش را قبول نمی کنند وچون آقای رئیس محترم فرمودند اسم اشخاص را اعم ازخوب یابد نبایدبرد.

بنده داخل دراشخاص نمیشوم والا اگر بنابود داخل دراشخاص شوم عرض میکردم همه‌چیزدرایران‌داریم البته‌مردمانی داریم که‌از عهده اداره کردن مملکت خودمان برمیآیند بناءعلیهذا بنده عرض می کنم یکنفر ایرانی را نمی‌بینم که نسبت بعالم مذهب و مملکتش خائن باشد

درمیان این رجال خاصه شخص‌محترم آقای مستوفی الممالك وقتی آقایان ممتنع ومخالف هم میخواهند با پرگرام دولت مخالفت کنند باز بشخص ایشان که‌میرسند جز تمجید و توصیف چیزی ادانمیکنند

ولی آقای مدرس فرمودند که کلام درسیاست است .

چون این لفظ‌خیلی اجمال دارد و خودشان هم ترجمه‌اش رادرست نفرمودند بنده‌هم جواب‌را اجمالاًمیدهم

سانسیت درعمل معلوم میشود والادر موقع آوردن مواد روی کاغذ لفظ‌سانسیت نمی‌چسبد وبنده آنوقت عرض می کنم همینطور که درطی عبارتشان‌هم فرمودند ما باید تجربه کنیم چندین ماده هرپرگرام زینت است ولی دویاسه یا چهار ماده‌اش هم عملی است .

بنده بخود ایشان عرض میکنم‌صحیح میفرمائید ولی قصاص قبل‌از جنایت کسه نمیشود .

شخص حضرتمستطابعالی میفرمائید دو ماده‌اش عملی است بواسطه‌آن دوماده موافقت کنید دوماده‌اش‌هم زینتی‌است‌آن راهم بگذارید وقتی‌عملی‌شد آنوقت‌جناب عالی وآقایان دیگر موافقت کنید و اگر اجرانشد شاید ماهم‌باشما موافقت کنیم

ازاین‌مرحله بگذریم‌بیائیم‌سرتنقیداتی که در مواد کردند؛

بعقیده بنده اصلا درمواد تنقیدات‌نشد زیرادرماده اول که حفظ‌مناسبات‌حسنه‌است آقای مدرس یکشوخی‌فرمودند ومخصوصاً بیادم است .

حالا هم بجا وبموقع‌است که بنده بگویم هرچه حسن‌است دوست میدارم و خدمتشان ارادت دارم و همینطور تسریع در تهیه وسائل انتخابات دوره پنجم که‌در اینجا ایشان مخالفت نکردند زیرا این را بایدوکلای ولایات‌خوب بدانند که تعهد بصحت جریان انتخابات جمله‌است که جلوگیری میکند از اینکه متنفذین در انتخابات مداخله کنند یا انتخابات را برحسب میل خود تمام کنند اصلاح لایحه قانونی سربازگیری دراین قسمت هم کاملا موافق بودند وفرمودند عملی است وبآقای وزیر جنك خطاب کردند اگر این کاررا بکنند‌بهتر ازاین‌سردریست که‌ساخته‌اند.

بنده عرض‌میکنم این سردرب را

ایشان نساختند بلکه عده بپاس حسن خدمات ایشان وبنام ایشان ساختند بناء علی‌ذلك خودشما تصدیق می کنید که ایشان تنها وزیری هستند که یکسال‌ونیم اداره قشونی را کاملامرتب کردند بعددر سایر مواد ایرادی نکردند که‌بنده عرض کنم درپر گرام ایراد کردند وآن‌ایرادرا وارد بدانم ورفع کنم فقط ایراد این‌قسمت فرمایش اخیرشان بود که فرمودندتجربه کردیم •

بنده عرض میکنم حالا موافقت بفرمائیدوتجربه کنید اگر تجربه برخلاف شد قبول میکنم•

چند کلمه هم بنده مجبورم راجع به فرمایش آقای حاج شیخ اسدالله که کاملا مصدقم عرض کنم وآن مسئله تکمیل‌قانون اصول محاکمات حقوقی است‌اما مصدقم چون همه میدانند مملکت مملکت اسلامی است وهمان‌طور که آقای وزیر خارجه فرمودند مجلس شورای ملی هم اسلامی است و مطابق قانون اساسی هر قانون که نستجیر بالله برخلاف شرع و برخلاف مذهب جعفری باشد سمت قانونیت پیدا نخواهد کرد•••

(سردار معظم کردستانی -بر خلاف مذهب اسلام)

بلی . اسلام . مذهب جعفری هم همان اسلام‌است.

هرقانونی که برخلاف مذهب اسلام شدسمت قانونیت ندارد زیرا وقتی وزیر مسلمان دولت مسلمان مجلس مسلمان مملکت مسلمان باشد قانون برطبق‌مقررات اسلام نوشته میشود و گذشته از این بدلیل وبرهان ثابت‌شده‌است که بهترین قوانین قانون اسلام است و لذا قانون جزای عرفی لغوشد وعلماءلغواوراخواستند این است که بنده عرض میکنم این ماده را درست پیشنهاد فرمودند وقمش هم‌همان طور بود که آقای وزیر خارجه فرمودند البته معلوم است قانون مملکت هم بایـد مطابق مذهب وضع‌شده باشد البته اگر بخواهم در سایر فرمایشاتی که آقایان کردند داخل‌شوم وجواب یك‌یك آنها را بدهم.البته طول خواهد کشید ولازم هـم نیست عرض کنم زیرا مخالفتی نبود که جواب بدهم و امیدوارم انشاءالله آقایـان ممتنعین هم موافقت بفرمایند تـادل هیئت دولت گرم شود وزودتر قوانین بمجلس بیاید واز مجلس بگذرد و بالاتفاق در باره یك شخصی که درتمام ایران یکنفر منکر نداردرای بدهند•

(جمعی گفتند مذاکرات کافی‌است)

رئیس - نسبت باینکه مذاکرات کافی است‌یاخیرمخالفی‌هست‌یانه؟

(جمعی گفتند خیر)

رئیس - پس رای نمیگیریم معلوم میشود مذاکرات کافی‌است حالا باید رأی بگیریم

چندنفر از نمایندگان‌یعنی‌شانزده‌نفر تقاضا کرده‌اند رأی‌مخفی گرفته‌شود.

آقامیرزا محمد نجات - اسامی را بخوانید•

آقاسیدیعقوب - بنده یکنفراز امضا کنندگان‌هستم.

(آقای امیرناصر پیشنهادرا با امضاءبمضمون‌ذیل‌قرائت‌نمودند)

امضا کنندگان ذیل تقاضا مینمائیم که در موضوع پر گرام رأی‌مخفی‌بامهره گرفته شود

بیان‌الملك - حاج‌شیخ‌اسدالله - آقـا سید فاضل - آقاسید یعقوب - محمدولـی طباطبائی تبریزی - عبدالوهاب الرضوی- صدرالاسلام - سلطان‌العلماء - حاج شیخ محمدحسن - ابراهیم قمی - سهام‌السلطان عبدالممالك - حسین صدرائی - محمد هاشم میرزا — ملك الشعراء - فرج الله کردستانی •

رئیس - آقای‌مستشارالسلطنه

(اجازه)

مستشار السلطنه - بنده تـصور میکنم این تقاضا برخلاف نظامنامهٔداخلی نیست اما از اینجائیکه مربوط بموقعیت حکومت فعلی که اکثریت دارد میشود و بنده که جـزء اکثریت هستم میخواهـم طرفداران حکومت حاضره معین ومعرفی شوند وهم چنین ممتنعین‌و مردودین معلوم شوندابن‌است که‌بنده‌این پیشنهادرا‌ازنقطه نظر موقعیت حکومت فعلی بی‌رویه‌میدانم وباآن مخالفم

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین -درعین‌اینکه‌مکرر درهمینجا جاآقای مدرس اظهار کردند عقیده‌قطعی ایشان این است که‌هر دولتی باورقه‌سفید باید بیاید و باورقه کبوذ باید برودواغلب هم همینطور هستند ودر عین اینکه هم امشب وهم درجلسه اولی که مذاکره در کلیات پر گرام میکردند اظهار کردند که ایشان و رفقایشان جزو ممتنعین‌هستند بنابراین یك اشخاصی که ممتنع هستند بعد تقاضای رأی مخفی میکنندبنده‌نمیدانم ولی درعین اینکه‌ماده‌نودم‌نظامنامه‌این‌حق راداده‌است‌ولی‌این‌موقع خاص‌رایش بینی نکرده که نسبت باظهار اعتماد بیك‌دولتی درموقعی که پر گرامش مطرح است و مذاکرات در او کافی میشود چه‌قسم‌بایـد رأی داد•

این یك موضوعی است که از نقطه نظر فلسفه بعقیده بنده باید باورقه رأی گرفت زیرا باید مردم بدانند موافقین با حکومت حاضره کی‌ها هستند و موافقین چه اشخاصی.

هیئت دولت هم بداندموافقین‌او کیند و مخالفین کی‌ها ولی‌بارأی مخفی و مهره سیاه وسفید این فلسفه وجود خارجی پیدا نمیکند وهیچ معلوم نیست مخالفین کی‌ها و موافقین کی‌ها هستند در واقع‌این‌مسئله لوث میشود ولی برای اینکه ما مخالفت با نظامنامه نکنیم واین مسئله‌هم پیش‌بینی نشده‌است عقیده ما است که موافقین بـا دولت حاضره چون رأی باینچ تردیدی نیست ورأی مخفی هم که بدهیم با مهره سفید خواهیم دادواگر هم با ورقه بدهیم ورقه‌سفیدخواهیم‌داد

بنابراین ماعقیده داریم که آن مهره سفید خودرا علنی خواهیم‌انداخت

(جمعی گفتند صحیح‌است)

رئیس - آقای دست‌غیب

(اجازه)

دست‌غیب - بنده می‌خواستم‌سؤالی کنم •

رئیس -چه فرمودید

دست‌غیب - عرض کردم می‌خواهم سؤالی بکنم

رئیس - از کی

دست غیب - از مجلس واز مقام ریاست سؤال بنده این است که باین طریق ممتنع و مخالف یکی میشود وحال آنکه ظاهر از ممتنع این‌است که ازرأی دادن امتناع میکند

وآقای‌مدرس هم که درطی‌عبارتشان لفظ‌مخالف راادا نمیکردند مخالف آنست که مخالفت می کند

واین مسئله اساساً با پیشنهاد رأی مخفی متباین است زیرا ممتنع رای نمیدهد.

رئیس - درهر صورت این تقاضا با ماده نودم مخالفت ندارد حق دارند تقاضای رأی مخفی کنند

آقاسیدیعقوب - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

آقاسیدیعقوب - آقای تدیـن دربین فرمایشاتشان یك عبارتی فرمودند اگر چه بنده خیلی بایشان ارادت دارم ولیکن هیچ لزومی‌ندارد که دولت‌مخالف و موافق خودش را بشناسد اگر دولت مکلف است عمل به قانون نکنند باید قانون‌را مادی وشریك‌و رفیق ومحل‌اتکای خود قرار بدهد چ کاردارد که مخالف و موافق کیست باید•••

دراین موقع‌جمعی از تماشاچیان‌تعمداً سرفه‌نمودند)

رئیس - آقای ارباب کیخسرو بگوئیداینهارابیرون کنند•

آقاسیدفاضل - پس ماهم بیرون میرویم معنی ندارد در بین نطق و کلاء سرفه کنند

رئیس - بنده گفتم آقایان رابیرون کنند سر کارچه میفرمائید•

آقایان همه‌بروندبیرون.

آقای ارباب کیخسرو بفرمائیدآنها را زودتر اخراج کنند یاهر کس هـم حرف‌بزندتوقیف کنند.

ارباب کیخسرو — همه را میفرمائید•

رئیس - بلـی همگی باید خارج شوند

(آقای ارباب کیخسرو تماشاچیان را وادار باخراج نمودند

آقاسیدیعقوب - عرض کردم با اینکه آقای تدین فرمودند قانون‌نظامنامه بما حق میدهد ولی خواستم عرض کنم اتکاء دولت بقانون و باکثریت مجلس است بلی‌ما اقلیت هستیم و اقلیت منتظر عملیات دولت است اگر کارد موافق‌شد بـاید دولت محتاج بمجلس باشدپس‌عوض آنکه دولت موافقین ومخالفین خودش را بداند بهتر این است که قانون را بداند•

وزیرامورخارجه - بنده‌درباب اینکه دولت نظری دارد که رأی مخفی گرفته شود یا انکار ازاین نظر عرضی نمیکنم•

بلی -نظامنامه داخلی مجلس‌شورای ملی هم حق میدهد بآقایان که‌تقاضای‌رأی مخفی بکنند و مادامی که در تقاضای خودشان باقی باشند البته آقـای رئیس محترم‌مجلس‌مطابق قانون عمل‌خواهد کرد و رأی مخفی خواهند گرفت ماهم عرضی نداریم فقط بنده از آنجائیکه خودم را یکی از شدیدترین علاقه مندان ایرانی‌می دانم بترتیب مشروطیت وحکومت ملی‌فقط ازاین جهت عرض‌میکنم که مجلس شورای ملی دراین‌موقع‌اگریك همچو کاری‌بکند وآقایان به تقاضای خود باقی بمانندو این پیشنهاد را پس نگیرندیك سابقه‌بسیاربدی درمجلس میگذارند زیرا رأی مخفی در مواقعی باید گرفته شود که‌اگر رأی‌آشکار بگیرند یك مفسده داشته باشد مسئله‌هیئت وزراء ودولت ومجلس شورای ملی مسئله اختلاف‌عقیده ومسلك است نه مسئله‌عداوت شخصی اگر چه از بیانات آقای مدرس معلوم بود که‌نسبت‌به‌بعضی از آقایان‌وزراء بی‌مهر هستند

شیخ‌الاسلام — باشند

مدرس - باشندبسیارخوب‌رای نمی‌دهم•

وزیرامور خارجه- حقتان است‌عرض نکردم حق ندارید

مدرس - شمارا عرض نکردم آقای شیخ‌راعرض‌میکنم.

وزیر امور خارجه -عرض کردم‌اشخاص ممکن‌است‌باهم بی‌مهری داشته باشندممکن است‌خصوصیت هم‌داشته باشندولی‌درمسئله هیئت دولت درمجلس شورای ملی‌منظور نظر بهیچوجه حب‌وبغض نیست یك‌شخصی باینده خیلی هم‌محبت داشته باشد چنانکه

بنده تصور میکنم در میان همین اشخاص که‌اظهار امتناع نسبت باین کابینه کردند باشخاص شاید خیلی‌ها بابنده محبت داشته باشندولی دررأی مخالف باشندنظر باینکه در عقیده ومسلك و در نظریـات مخالف هستند برعکسش هم ممکن است دونفر شخصاً باهم عداوت داشته‌باشند ولی چون دونظریات موافق‌هستند رأی موافق‌بدهند پس در موقعی که مجلس شورایملی بیك هیئت دولتی اظهاررأی میکند ازروی‌حب وبغض نیست وما هم قبول داریم واگر کسی بخواهد برخلاف‌مارأی بدهد حمل‌بربغض نمیکنیم و اگر هم بر موافقت رأی بدهد حمل برمحبت مخصوص نمیکنیم‌دراینصورت رأی مخفی هیچ فلسفه ندارد اگر واقعاً احساسات‌مجلس‌شورای ملی بطورا کثریت برخلاف‌این‌ترتیب است ما کجنك نداریم دعوی هم نداریم رأی‌هم‌برخلاف بدهید ماهم مرخص‌میشویم ویك هیئت دولت‌دیگری میآیند ومجلس‌باآنها موافق میشود یاخیر اگر اکثریت باماباشدویك اشخاصی‌مخالف باما باشند وبرخلاف مارأی بدهند ماابداً رنجش پیدا نمیکنیم رنجش هم پیدابکنیم چه میشود درمملکت آزاد ومشروطه‌برعکس فرمایش‌آقا سید یعقوب درمملکت‌مشروطه دولت باید مخـالفین وموافقین خودش‌را هم بشناسد بمناسبت اینکه از موافقت و مخالفت یك نتیجه حاصل میشود ازبابت‌این که باید بداند ازچه جهت بااو موافقت‌می کنند وازچه جهت بااومخالفت مینمایندمی فرمایند مامتنعین و مخالفین نظریات‌خود را میگوئیم‌خیلی خوب ماهم می‌شناسیم‌آن آقایان مخالفین کی‌ها هستند چالاگراز این‌رأی های‌مخفی زائدبراین فشخاصی که نطق فرمودند مهره سیاه درآمد مابرچه حمل کنیم وازچه جهت بوده‌است‌اینکه‌می فرمائید اشخاص را باید شناخت برای‌این که نظریات اشخاص‌معلوم است بنده‌وقتی بدانم فلان‌شخص باینده مخالف است می دانم درمن چیست که‌او بامن مخالف‌است حالا مخالفین‌را کناربگذاریم مامکلف‌نیستیم که اگر مخالفین در اقلیت واقع شدند نظریات آنهارا بدانیم ولی باید موافقین‌را بشناسیم تابدانیم باآنها ازروی چه‌مسلکی باید عمل کنیم البته خود مایك مسلکی داریم وبامسلك خود عمل میکنیم ولی‌باید مسلکهای موافقین خود راهم بدانیم زیرا یك تفاوتهای جزئی بین اشخاص از حیث مسلك هست ممکن است دو نفر اساساًمسلکشان‌باهم موافق باشد ولی‌در جزئیات باهم اختلاف داشته باشند حالاما باید بدانیم این جزئیات چه چیز است و احساسات و کلاء رانسبت بخودمان بدانیم رأی مخفی احساسات مجلس‌شورای‌ملی‌را نسبت بما مجهول میکند اگر اکثریت‌حاصل شد درست‌است که‌مایك هیئت‌دولتی‌خواهیم بود که محل اعتمادا کثریت‌مجلس شورای ملی میباشیم‌ولی‌مثل این است که‌در شب تاریکی درجاده بدون چراغ راه برویم و گمان میکنم خیلی کم اتفاق افتاده باشد یاهیچ اتفاق نیفتاده‌باشد • درمجلس‌شورای ملی خودمان که قطعاً ازبدو تشکیل تـا حال یك‌چنین‌چیزی اتفاق نیفتاده درممالك خارجه هم آنچه‌بنده اطلاع دارم نشنیده‌ام دررد و قبول پروگرام هیئت دولت رأی مخفی گرفته باشند بنابراین این ترتیب‌یك رأی غیر فلسفی وبی منطقی است وباین دلیل‌بنده‌ازآقایان که رأی مخفی‌راپیشنهاد کرده اند تقاضا میکنم پیشنهاد خود را استرداد کنند ولی آزاد هستند میخواهند هم استرداد نکنند ماحق منع نداریم‌تصور نفرمایند ما میخواهیم آنها را منع کنیم یا برای خودمان نظری‌داریم بعقیده بنده‌اگر استرداد کنند بیشتر موافق اصول وفلسفه مشروطیت رفتار کرده‌اند اگرهم نکردند مختارند

مدرس- بنده تقاضای اجازه کردم که جواب آقای تدین‌رابدهم

رئیس‌بفرمائید

مدرس -فرمایشاتی که آقای وزیر امور خـارجه کردند بنده کاملا تصدیق دارم در این هفت هشت‌سال ابداً تقاضای رأی مخفی سابقه نداردولیکن این‌وضعیات هم که این‌چند روزه در این مجلس‌دیدید سابقه نداشت اماراجع باین کابینه کراراً در مجلس عرض کردم رئیس دولت‌شخصاً دراین مملکت کم‌نظیراست‌وبلکه ازجهاتی بی‌نظیرولی‌اینکه بعضی ازآقـایان‌فرمودند شاید محبت کم‌باشد نسبت ببعضی محبت خیلی‌خوب است ولیکن مقصود بنده‌این‌بود وضعیات آوردن این دولت بعقیده بنده تعریفی نداشت

بواسطه‌همین‌ترتیباتی که‌بچشم‌مشاهده کردیم ویك مسلکی نبود که‌در اینجایك دواتی رابیاورد یا ببرد یك جماعت قریب المذاقی‌نظر ببعضی خصوصیات باهم‌موافق شدند وباین‌اسبابهائی که‌دیدید این‌هیئت دولت‌راآوردند واینکه آقای تدین‌فرمودند مامهره را اینطور نگاه میداریم میخواهند مارا تهدید کنند

تدین خیر تهدید نکردیم

مدرس -اگرنمیخواستید تهدید کنید دیگر گفتن ندارد و کسی هم حرفی‌نداشت این‌مطالب گفتن‌نمیخواهد

شیخ‌الاسلام - گفتن آزاد است

مدرس- اگر کسی واقعاً عقیده دارد چه علنی‌وچه مخفی رأی مثبت میدهد نجات سابقه‌ندارد

مدرس -این وضعیات دو سه‌روزه هم سابقه نداردمعلوم است مهره‌های سفید مال شما وامثال شمااست موافقین همان کسانی هستند که‌رأی دادند وبازهم رای میدهند یعنی تاریخ آنرا تعیین کنند که‌ازآنقرار اسباب خیال من میشود هر کس میخواهد مهره را بلند نگاه میدارد نمیخواهد پائین لهذا بمناسبت این‌وضعیت بنده‌عرض کردم آزاد باشند فرمایشات آقای وزیر خارجه راهم قبول دارم لیکن این وضعیات جدید هم‌وضعیات سابقه‌داری نیست معذلك‌بنده‌از پس گرفتن این‌رأی اباء ندارم اگرتقاضا کنند بارأی علنی موافقت میکنم لیکن بنده بااین بیانات مخالفم یکی‌را اینطور تهدید کردن یکی را بسرفه تهدید کردن معنی‌ندارد

تدین- تهدید نکردیم تصمیم جمعیت است

مدرس-بنده‌آوردن‌هیچ‌دولتی‌رااینطور صلاح نمیدانم

(جمعی گفتندمذاکرات کافی‌است)

رئیس - رأی‌میگیریم آقایانی که‌به پر گرام رأی میدهندمهره‌سفید•••

نصرت‌الدوله - تقاضا را آقای مدرس پس گرفتند•

مدرس - بنده حرفی ندارم تقاضا کنندگان باید پس‌بگیرند بنده فلسفه‌اش راگفتم.

رئیس - آقای مدرس یکنفرهستند شانزده نفر امضاء کرده‌اند وقتی ایشان مسترد دارند پانزده نفرباقی‌میماند

صدر الاسلام - بنده هـم پس گرفتم•

آقامیرزاابراهیم قمی - بنده‌هم چون برخلاف سمت وکالت می‌دانم پس میگیرم •

رئیس - اصلاآقای مدرس‌جزءامضا کنندگان‌نبودند

پس‌رأی میگیریم به اوراق سفید و کبود•

آقایانی که‌پر گرام راتصویب‌میکنند ورقه سفید والا ورقه کبود خواهند داد•

(دراین موقع‌اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه‌بترتیب ذیل حاصل گردید)

عده حضار ۸۸ ورقه سفید (عـلامت قبول) ۶۲ امتناع۲۶

رئیس - عده حضار ۸۸ بـا کثریت ۶۲رأی تصویب‌شد

وزیرمالیه - خاطر محترم آقایان هست که درچندی قبل یك لایحه‌قـانونی راجع باستخدام دوازده نفر مستخدمین بلژیکی از مجلس گذشت ودر موقع‌عمل بآن قانون وزارت مالیه دوچار مشکلاتی شده است ازنقطه نظر قانون چون دراین قانون تصریح نشده است که از تاریخ تصویب است یا از تاریخ انقضای کنترات در این‌لایحه که‌حالا تقدیم گردیده استدعا شده است آن ماده را تغییربدهند یعنی تاریخ آنرا تعیین کنند که‌ازآنقرار رفتار شود•

دولایحه دیگر راجع است بدو فقره اعتبار که وزارت مالیه برای هذه‌السنه تقاضامیکند

یکی مبلیغ صد وهشتاد وسه هزار تومان برای پاره مخارجات فوری وضروری که احتیاج پیدا کرده‌است یکی هم‌یك کرور وپنجاه‌هزارتومان‌برای‌اداره‌مالیات‌غیرمستقیم و خالصجات و ارزاق و چون چندان مدتی بآخر سال باقی‌نیست وقسمت‌عمده مخارج خیلی لزوم دارد و امورات وزارت مالیه را معطل نگاهداشته است‌ازمجلس شورای‌ملی تقاضای فوریت‌این دولایحه‌را مینماید

وزیرمعارف-بنده‌استدعا میکنم‌بودجه وزارت معارف را مقرر بفرمائید جزءدستور گذارده شود چون مدتی است‌طبع‌وتوزیع شده و درواقع کاراداراات معارف‌ووزارت‌خانه بواسطه‌نگذشتن بودجه‌بتعویق‌افتاده است استدعا میکنم آنرا جزء دستورمقرر فرمائیدو همچنین آقایان نمایندگان هم زودتردرفراکسیونهای‌خودشان‌تبادل‌افکار نمایند که بزودی‌این‌بودجه‌ازمجلس‌بگذرد واسباب آسایش کارکنان معارف‌ومعلمین مدارس فراهم شود

وزیر امورخارجه- چندروز قبل بنده توسط معاون وزارت خارجه‌تمنا کردم‌یك قسمت از بودجه وزارت خارجه را که از کمیسیون گذشته بود چون اشخاصی که در آن‌ذی نفع بودند تکلیف خودرا نمی دانستند جزء دستور قرار بدهند آن روز آقایان موافقت نمودندو رای دادند که‌جزء دستور شودولی چون در آن‌راپورت‌نسبت ببعضی اقلام عدول کرده بودند وبعضی‌را بکلی حذف کرده بودند عقیده وزارت امور خارجه این است که‌هرگاه کمیسیون بودجه یك تجدید نظری در این باب‌بکند و بعضی تغییر و تبدیلها در آن قسمت از بودجه وزارت خارجه بفرمایند و دلائل و نظریات وزارت خارجه را استماع فرمایند بعداز آن البته اختیار بامجلس‌شورای‌ملی است•

رئیس - راجع بتقاضای آقای وزیر مالیه چون این تقاضاها که‌شده‌راجع‌ببودجه است‌ویك شور میشوددر این‌صورت‌تقاضای فوریت معلوم نشد برای چه بوده است ؟ الك فوریت برای این است که یك شور بشودیکی‌برای این است که‌اصلابکمیسیون نرود و در خود مجلس‌مطرح‌شود .

وزیر مالیه- مقصود این است که در ظرف یکی دو جلسه ازمجلس‌بگذرد .

رئیس-پس محتـاج باخذرای‌نخواهد بود آقای رفعت الدوله راجع بدستور است؟

رفعت‌الدوله- خیر بنده مدتها بود در نظر داشتم راجع‌ببلوچستان یك‌عرایضی‌در مجلس شورای‌ملی بکنم چندروزقبل آقای آقا سید حسن خان نماینده بلوچستان یك

مختصری بعرض مجلس رساندند. از مقام محترم ریاست هم تقاضا کردم اجازه بدهند فرمودند باشد تا رئیس دولت در مجلس بیاید.

حالا که بحمدالله پروگرام دولت هم باکثریت گذشت بنده خاطر محترم رئیس دولت را متوجه میکنم به بلوچستان که ۱۵ سال است بحال بی‌تکلیفی این قطعه زمین مانده است البته تصدیق میفرمائید بواسطه محظوراتی که در این چند سال بود بنده می توانم قبول کنم که دولت نمی توانست یك اقداماتی بکند ولی امروز بحمدالله آن محظورات مرتفع شده و قوای دولت بحمدالله خوبست می تواند سوق لشکری بآنطرف نماید. اگرچه این ایام خود آنها متوالیاً تقاضای فرستادن حکومت و مأمور کرده اند و بنده امیدوارم این کار بمشاجره نکشد احتمال دارد آقایان فرض نمایند بلوچستان مثل یك بلوك کرمان است.

(بعضی از نمایندگان- خیر اینطور نیست)

رفعت الدوله- شما به بلوچستان نرفته اید هیچکدام ندیده اید بلوچستان یك زمین زرخیزی است که دولت می‌تواند از آنجا سالی لااقل سیصدهزار تومان مالیات بگیرد الان هم که مالیات بلوچستان باین کمی است تقریباً نقدو جنس هشتاد هزار تومان مالیات دارد ولی در این ۱۵ سال همینطور بحال بلاتکلیفی مانده و ازجیب دولت رفته است و امروز مقتضی است باسرع وسائل دولت اسباب آسایش اهالی همجوار بلوچستان و خود بلوچستان رافراهم نماید.

اهالی بلوچستان علاوه بر اینکه در این ۱۵ سال مالیات نداده اند یعنی کسی نرفته است بگیرد بنده اینطور عقیده دارم که اگر دولت حکومت و مأمورین میفرستاد و آنهاهم استنکاف نمیکردند ولی امروز برای دولت مقدور است و امکان دارد با خرج کمی این زمین زرخیز ایران را بصورت آبادی بیرون بیاورد.

اینکه شاهزاده محمد هاشم میرزا بمن حمله کردند نظر باین است که حالا یك بصیرتی پیدا کرده اند به کرمان ولی بنده از جنابعالی خیلی بصیرترم وچندسفر بآنجا رفته ام استدعا میکنم در این مورد هیئت دولت و مخصوصاً آقای وزیر جنك یك توجه مخصوصی بفرمایند که این امر انشاء الله بخوبی انجام بگیرد و اسباب تشکر اهالی کرمان و بلوچستان و نمایندگان کرمان بشود و مقصود ما بعمل آید.

رئیس- دستور روزشنبه را بنده معین میکنم بعد اگر آقایان اظهاراتی دارند چه راجع بدستورچه راجع بمطالب دیگر بفرمایند. اولا راپورت ۱۲۶ کمیسیون بودجه راجع ببودجه دربار. ثانیا بودجه معارف آقای دانش.

(اجازه)

دانش- بنده هم راجع به بودجه معارف عرض داشتم که جزء دستور شود

رئیس- آقای تدین

(اجازه)

تدین- مقصود بنده هم بودجه معارف بود.

رئیس- آقای نصرت الدوله

نصرت الدوله- در جواب تقاضائی که آقای وزیرخارجه فرمودند راجع باینکه در یك قسمت از بودجه وزارت خارجه که از مجلس گذشته نسبت ببعضی از اقلام آن که طرح شده است کمیسیون تجدید نظر بکند چون بنده سابقه دارم و میدانم درصورتی که وزارت خارجه این تقاضا را بکند از برای شنیدن اظهارات وزارت خارجه حاضر هستند لهذا میتوانم این تقاضای ایشان را بپذیرم

رئیس- آقای شیخ الرئیس

(اجازه)

شیخ الرئیس- آقای رفعت الدوله در ضمن نطقشان فرمودند: ما خیال میکنیم بلوچستان بلوك کرمان است وتصور کردند هر کس بیك جائی نرفته از آنجا اطلاع ندارد خیراز روی جغرافیا وغیرممکن است شخص اطلاع پیدا کند و این توهین بوکلای مجلس شورای ملی است ما همچو خیالی نکردیم و محتاج بکنایه هم نبود

وزیر مالیه- بنده تقاضای فوریت آن لایحه را کردم که برای دستور روز شنبه معین بفرمائید.

رئیس- این لایحه باید به کمیسیون برود.

وزیر مالیه- بنده فوریت آن را تقاضا کردم.

رئیس- پس می‌فرمائید به کمیسیون نرود؟

وزیر مالیه- بلی اگر امشب هم ممکن بود تقاضا میکردم ولی چون وقت گذشته استدعا دارم بدون مراجعه بکمیسیون در مجلس مطرح شود.

رئیس- درهرصورت چون تقاضای وجه است یك شور دارد حالا که میفرمائید به کمیسیون بودجه نرود روز شنبه تشریف بیاورید بفوریتش رأی گرفته میشود.

(مجلس ۳ ساعت ونیم ازشب گذشته ختم شد)

رئیس- مؤتمن الملك

جلسه ۲۴۱
صورت مشروح مجلس
یوم شنبه نوزدهم حوت
۱۳۰۱ مطابق ۲۲ رجب
۱۳۴۱

مجلس دوساعت قبل ازظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

صورت جلسه یوم پنجشنبه هفدهم حوت را آقای امیرناصر قرائت نمودند.

رئیس - آقای سردارمعظم.

(اجازه)